

# امام خمینی: ملت ایران در مقابل این خاندان کثیف و امریکا

بر نمیدارد

## موضوعی ما نسبت به رئیس جمهوری کدامست؟

نوده ایران بمناسبت «رویداد تاریخی گزینش نخستین رئیس جمهوری اسلامی ایران» گفتمند است. «آقای بنی صدر (با حراز) مقام ریاست جمهوری (این امکان استثنایی را در زندگی یافته اند که پانزده خدمت بزرگ به ملت ایران در راه حل مشکلات عظیمی که پسان روپوست، بشوند ویا آنکه با

در این مدتی که آقای ابوالحسن بنی صدر به ریاست جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است. بسیاری از مردم «میرسد که موضوعی مانسبت به آقای بنی صدر کدامست؟ در پاسخ باین پرسش باید گفت که حزب توده ایران بدون هیچ پیشدواری، نسبت به آقای بنی صدر بعنوان رئیس جمهوری، بعنوان رئیس قوه مجریه، موضع گیری خواهد داشت و این موضوعی است که به عمل واقدامات رئیس جمهوری خواهد داشت. در بیانیه کمیته مرکزی حزب



دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۷۵  
یکشبه ۱۳۵۸ هـ. ش - شماره ۱۵۵۸۰۰

همانطور که بارها گفته ام، ما خواستار استرداد شاه و اموال ملت از او میباشیم و دانشجویان مسلمان و مبارزی که لانه جاسوسی را اشغال کرده اند، با عمل انقلابی خودشان ضربه ای بزرگ بر پیکر آمریکای جهان خوار وارد نمودند و ملت را سرفراز کرده اند

امام خمینی رهبر انقلاب ایران، طی پیامی، اقدام دلاورانه فرزندان راستین ملت ایران، یعنی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را باریکترتایید کردند و دیگر بار خواستار استرداد شاه مخلوع و اموال مردم ایران از آمریکا شدند. در این پیام از جمله آمده است:

جنایات شاه مخلوع چیزی نیست که از یاد ملت رفته باشد و یا بخود از یاد برسد. بر همه روشن است که محمدرضا پهلوی ما را از هر جهت وابسته به آمریکا کرده بود، چه از نظر اقتصادی و سیاسی و چه از نظر فرهنگی و نظامی و چه از نظر معنوی و خصیصه های انسانی و اگر مهلت می یافت، به اسلام شر به جبران ناپذیری میزد. همه میدانند که دست او پردهش بخون بزرگ و کوچک این مرز و بوم آغشته است. کشتار دسته جمعی و زندان و شکنجه و تبعید از امور رایج رژیم این پلید بود. شاه به حمایت و پشتیبانی دولت آمریکا دست به این جنایات وحشیانه زد و ملت ما را از هستی ساقط کرد. ملت ایران در مقابل این خاندان کثیف و امریکا و اعمال آنان دست از مبارزات بر حق خویش بر نمی دارد و نخواهد برداشت. دولت ایران و جناب آقای رئیس جمهوری تمام کوشش ها وسیع شان را در استرداد شاه خائن و اخذ اموال ملت ایران از او بنمایند، که ملت دلیر دست از این خواست بر حقشان بر نمیدارند و قسمی بقیه نمیگذارند. یکی از آثار این خواست تصرف لانه جاسوسی بود که مورد تأیید ملت ایران قرار گرفت و چیزی جز عکس العمل جنایات دولت آمریکا نمیتواند داشته باشد. اکنون که کمیسیون بررسی و تحقیق درمداخلات گذشته آمریکا در امور داخلی ایران از طریق رژیم شاه سفاک، توسط جناب آقای رئیس جمهوری و شورای انقلاب اسلامی ایران تحقق میپذیرد، جنایات آنان به اثبات خواهد رسید. لازم است در آن روز مهملین عزیز و قهرمان انقلاب ما در این مجمع حضور یابند و خانواده شهدا طومارهای جنایات شاه و آمریکا را به محکم بفرستند، همانطور که بارها گفته ام، ما خواستار استرداد شاه و اموال ملت از او میباشیم و دانشجویان مسلمان مبارزی که لانه جاسوسی را اشغال کرده اند، با عمل انقلابی خودشان ضربه ای بزرگ بر پیکر آمریکای جهان خوار وارد نمودند و ملت را سرفراز کرده اند. ولی از آنجا که در آینده نزدیک نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی اجتماع مینمایند، امرگروگان ما با نمایندگان مردم است تا نسبت به آزادی گروگانها و امتیازاتی که در مقابل آنان باید بگیرند تصمیم گیرند، زیرا این مردمنده که باید در جریانات سیاسی دخالت داشته باشند. البته تا تشکیل مجلس شورای اسلامی، شورای انقلاب و جناب رئیس جمهوری کوشش خودشان را در راه برگرداندن شاه و اموال ملت و جریانات سیاسی، که زمینه اینگونه خواستار فراهم میکند، مبذول دارند.

یکی از خطرناکترین زمینه های فعالیت ضد انقلاب

## باید هر چه زود تر راه را بر گرانی و گرانفروشی بست

واردکنندگان کالا به کشور ما قرار داشته، باید جرأت داشته و همه معیارهای طاغوتی را در پیوند با امریالیسم درهم ریخت و امریز، ددوران پس از انقلاب، با آن کشورهای مناسبات بازرگانی برقرار کرد، که خواهان روابط عادلانه اما باشند. یافتن چنین کشورهایی در جهان دشوار نیست. کشورهای سوسیالیستی و عمده ای از کشورهای در حال رشد می توانند تا زمانی که ما به خود کفائی در زمینه تولیدات کشاورزی و صنعتی نرسیده ایم، طرف بازرگانی ما باشند.

هم اکنون در شرایط کمبود کالا، در شرایطی که تولیدات داخلی کفاف مصرف ما را نمیدهد، باید با عقد قراردادهای با وارد کردن اقلام مورد نیاز آن کشورها دست زد. مثلاً اکنون کمبود گوشت آشکار است. فروشندگان گناباد به گردن کم کردن سهم خود از سوی دولت میاندازند. یکی از فروشندگان گوشت گاو می گوید:

سال گذشته سهمیه گوشت ۱۴ سهم بود، در حال حاضر این مقدار به ۴ سهم کاهش یافته است.

فروشی دست به اقدامات اساسی بزند و به شدت انقلاب امان نهد که به تحقق اهداف تولید خود دست یابد. چنانکه بارها نوشته ایم، گرانی مقله ایست جدا از گرانفروشی. برای مبارزه با آن باید ریشه نفوذ امریالیسم را در اقتصاد کشور سوزاند. امریالیسم جهانی پارخنده در اقتصاد در تاروپود. اقتصاد کشور ما، یک کشاورزی و صنعت نیمه جان و یک صنعت وابسته و محتاج به قطعات نیمه ساخته کشورهای امریالیستی، در سفرها قرار داده است. اکنون پس از پیروزی انقلاب، امریالیسم باید یک سلسله اقدامات هیطانی نظیر تحریم اقتصادی، خودداری از فروش قطعات یدکی، افزایش سرمایه آور، بهای محصولات صنعتی و کشاورزی خود و نیز از طریق سرمایه داران بزرگ و وابسته نیز اقتصاد ما را در دست دارد. تورم خود را صادر میکند، کارخانه های ما را به تعطیل میکشاند، یکبارگی را گسترش میدهد، کمبود کالا بوجود می آورد و قیمت ها را افزایش میدهد. برای مقابله با گرانی راهی نیست جز گستن با سلطه اقتصادی امریالیسم. باید همه وابستگی های نامشروع مالی، ارزی، صنعتی و کشاورزی با امریالیسم پایان داد و اگر تادیب و زکوت های امریالیستی در صدر جدول

کمبود و نبود کالا و گرانی مایحتاج عمومی بیداد میکند. هر چند روز یکبار وزارت بازرگانی ورود مقادیری مرغ و تخم مرغ و روغن نباتی را اعلام میدارد، اما علیرغم آن، صفها در جلوی مغازه ها، هر روز طولی تر از روز پیش میشود، که این خود نشانه آشکاری از کمبود کالا است.

نتیجه این کمبود آن شده است که قیمت ها بهمرز غیر قابل تحمل برسد، بویژه برای اکثریت مردم زحمتکش که در آمد قلیل و ثابتی دارند و در عرصه مسا بقه با مسود قیمت ها، بهیچرو توان مقابله ندارند بقول یکی از خوانندگان روزنامه کیهان.

«قیمت اجناس مورد نیاز مردم هم شده است مثل قیمت طلا، که لحظه به لحظه در بورسها فرونی مییابد.»

این کمبایی و فطلی و گرانی، یکی از خطرناک ترین زمینه های فعالیت ضد انقلاب است و دولت همین علت باید تادیب نماید. برای مبارزه با گرانی و گرانی -

احسان طبری

### ای گوی زر...

(غزل)

ای گوی زر، خوش کن گنر، با مزه های از بام ما  
پر شقه های نور کن، گردون نیلی قام ما

پشکن کمان این فغان، ره ده یقین را در گمان  
بششان ز دامان زمان، گلبرگ بر ایام ما

در راه کام مردمان، نامی نجوئیم از جهان  
باری روان گامان، وانگاه بستر نام ما

از تلخی پس شوکران، رنجی بدل باشد گران  
از سافر هم پروران، شهنلی فکن در جام ما

با نغمه های آتش بجان، آغاز شد این داستان  
با بانگ شاد و پرتوان، پر شعله کن فرجام ما

شاید فرو یارد نمی، شاید در آید هم نمی  
شاید بر انگیزد همی، نقش دگر رسام ما

ما را پیام زندگی: رزم است ضد بندگی  
تا ققتس فرخندگی، پر گسترده بر بام ما

گر تو ز راز تو بتو، با ما نغواهی گفتگو  
«هرده» چو آید روپرو، بگزار این پیام ما

بهمن ماه ۱۳۵۸

### شرط انگلیس برای فروش وسایل یدکی تانک چیفتن به ایران مغایر استقلال ایران است

به لندن اعزام شده، و اگر شده، به دستور کدام مقام بوده است؟ از دو حال خارج نیست: یا خرید مجدد قطعات تانک چیفتن بسود ایران است و یا به زیان ایران. اگر بسود ایران است، چرا اعزام حیات نظامی برای تجدید خرید آنها اعلام نشده و از افکار عمومی پنهان نگاهداشته شده است؟ اگر بزیان ایران است، این کدام مقامی است که حیات نظامی ما برده را به لندن اعزام داشته است؟

یا شاید هنوز مقاصد هستند که به نظر آنها این کارها مربوط به هوام اتانس نیست و در حیطه عمل مخصص است؟ میان پول این مردم را همچنان به حلقوم دستایع نظامی انگلستان، فروریخت و به آنها حتی اطلاع هم نداد!

از این جنبه قضیه که بگذریم، توجه می شویم که طرف مذاکره دولت انگلستان است و نه شرکت تانک سازی، یعنی دولت انگلستان (مانند دولت آمریکا و دیگر دولتهای غرب امریالیستی) نقش دلال بین فروشنده اسلحه انگلیسی و خریدار آنها برعهده دارد. چرا؟ برای اینکه اولاً این دولت (و دیگر دولتهای غرب امریالیستی) دستگام اجرائی اراده انصارات، از جمله انصارات اسلحه سازی است. لایا به وسیله این دولت میتوان فروش اسلحه مقله در صفحه ۲

زیر عنوان فوق روزنامه اطلاعات، در روز چهارشنبه اول اسفند ماه، خبری درج کرده که از طرف مبع مقامی تاکنون تکذیب نشده و بنا بر این میتوان آنرا مقرون به صحت دانست. خبر حداقل شکفت انگیز است. قبل از اظهار نظر درباره آن، خبر را که از لندن توسط آسوشیتد پرس گزارش شده، عیناً از روزنامه اطلاعات نقل میکنیم، توجه کنید:

«منابع موق انگلیس فاش کردند که دولت محافظه کار مارگارت تاچر آماده است در صورت آزاد شدن گروگانهای آمریکایی فروش ابزارهای یدکی تانکهای چیفتن به ایران را از سر گیرد. این خبر در پی سفر یک هیات نظامی ایرانی به لندن و درخواست این هیات برای آزادی سرگرفتن فروش ابزارهای یدکی اعلام شده است.»

تطبیق فروش ابزارهای یدکی این تانکها به ایران به صنایع نظامی انگلیسی بشدت زیان رسانده است. مذاکرات مربوط به آز سرگرفته شدن فروش ابزارهای یدکی چیفتن به ایران پس از آنکه سفارت آمریکا در تهران اشغال شد، قطع شده.

این بود خبر. نخستین سوالی که با خواندن این خبر در ذهن خطور میکند، اینست که آیا در واقع یک هیات نظامی ایرانی برای درخواست از سرگرفته شدن فروش قطعات چیفتن

### در ۸ صفحه امروز:

چریک های فدائی خلق، انتر ناسیونالیسم پر ولتری و انقلاب افغانستان

صفحات ۶ و ۵، ۴

این سوال روز خلق ایران است: امریکارا میتوانند از زیر ضربات انقلاب بیرون بکشند؟

صفحه ۳

افشگری اخیر دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، بانگ ناقوسی است که هشدار میدهد

صفحه ۷

بحث آزاد، برای حصول نتیجه مشترک به سود انقلاب

صفحه ۸

نامزدهای حزب توده ایران در انتخابات مجلس شورایی ملی مدافع استقلال، آزادی و منافع زحمتکشاند  
با انتخاب آنها، به تحقق هدفهای ضد امپریالیستی، دمگراتیک و خلقی انقلاب بزرگ مردم ایران کمک کنید

# زمین، مسئله حیاتی اکثر روستائیان گیلان است

از آنجا که حل مسئله زمین به نفع دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین در سطح کشور هنوز به مرحله عملی نرسیده است و دهقانان تهیدست کماکان با مشکلات فراوانی روبرو هستند و از آنجا که ستم‌آرایی و بی‌عدالتی مانع از توسعه‌های رنگارنگ صاحبان بزرگ زمین و قدرت‌بانان مختلف ادامه دارد، زندگی دهقانان زحمتکش تحولی که درخور انقلاب باشد، پیدا نکرده است.

در واقع ضروری‌ترین خواست دهقانان زمین، آب‌و‌هوا برای سوسامان دادن به امر کشت است، که این خود در نهایت به تحکیم انقلاب می‌انجامد کشور ما را از لحاظ تأمین مواد مصرفی و غذایی به خودکفائی نزدیک می‌سازد و استقلال اقتصادی آنرا تأمین میکند.

این واقعیت حتی در سطح استان گیلان نیز، که نسبت به سایر مناطق کشور در وضع بهتری قرار دارد، دیده می‌شود. چند خبر از روستاهای این استان، خشک‌شدن آب‌و‌هوا در سراسر استان، کشت‌دوختن، واقع در شهرستان قومن، در انتظار زمین و آب هستند. دهقانان این منطقه سال‌هاست که ستم اربابان و زمین‌داران بزرگ در دفع انواع سرگردانی‌ها

تجربه کرده‌اند. گروهی از آنان در جستجوی کار به شهر روبرو شده‌اند و دسته‌ای دیگر با هزینه‌های گزاف و بی‌بهره در راه، آب‌باریکه‌ای برای خود جستجو می‌کنند. خیرایشک طرح انقلابی استاد رضا صفهائی اصلاحات ارضی و اقمی را در جهت منافع دهقانان بی‌زمین انجام خواهد داد، جان و امید تازه‌ای به زندگی بی‌رمق آنها بخشیده است. از این‌روست که خشک‌نشینان این منطقه بی‌بهره در انتظار زمین و وسائل کشت هستند. آنها بدنبال منبع درآمدی ثابت‌اند و می‌خواهند از خانه‌بهدوشی راحت شوند. خواست آنها حق طلبانه است و هدفشان تولید در خدمت خود کفائی کشاورزیست. آنها منتظر ریشه‌کن شدن نظام فاسد قودالی هستند. در همین جهت نامه‌ای با دهقانان گیلان و امضا از جانب «دهقانان بی‌زمین و بی‌آب» و با امضا تأیید گواهان بومی به دفتر «مردم» رسیده است.

روستائیان قریه‌تیره تفکرسخت‌ترین طوایف، طی نامه‌ای که در اثر انگشت و امضا زیر آن دیده می‌شود و در نوشتن آنرا برای «مردم» فرستاده‌اند، می‌نویسند که طرفدار طرح اصلاحات ارضی بوده و مانند تمام زحمتکشان روستاها در انتظار به‌ثمر رسیدن انقلاب در این زمینه هستند.

این دهقانان طی نامه به شورای انقلاب و وزارت کشاورزی از اقدامات استبداد رضا صفهائی حمایت کرده‌اند و خواستار پیشبرد برنامه‌های انقلابی مبارزه با فئودالیسم و دادن حق به دهقانان و زمین به دهقانان هستند. آنها می‌نویسند:

«ما این طرح و پرداخت را می‌سازیم و می‌توانیم با پرداختن به امور کشاورزی به سهم خود با دشمن شماره یک مسا و همه ملت‌های جهان، یعنی امپریالیسم آمریکا مبارزه کنیم و در راه آزادی و آباد مکتوبیم.»

روستائیان مرداب محله در بخش چلوئیس، طی نامه‌ای به دفتر امام، که در نوشتن آن به دفتر «مردم» فرستاده شده، از تجاوز زمین‌داران به حقوق و زندگی خود شکایت دارند. این روستائیان فاقد زمین‌اند و می‌نویسند:

«این جان‌ناب سخت محتاج زمین برای کشت می‌باشد و هیچ‌گونه زمین هم نداریم. چاه‌های آب منطقه نیز در اختیار زمین‌داران (انجمنده کرم مستوفی زمین‌دار فراری) است. در حالیکه تنها یک چاه آن می‌تواند نیاز روستای مربوطه را برآورده سازد. این روستائیان در نامه خود می‌نویسند: «نه تنها زمین‌داران زمین‌های خود را برای کشت در اختیار کشاورزان قرار نمی‌دهند،

بلکه با تصاحب زمین‌های اطراف هر چه بیشتر به وسعت زمین‌های خود می‌افزایند.» این روستائیان خطاب به مقامات مسئول خواستهای خود را در پایان چنین می‌نویسند:

۱- هر چه زودتر دست‌آین تسجاوز کاران را از زمین‌های کشاورزان بی‌زمین این محله کوتاه گردانید.

۲- ما خواستار تقسیم هر چه زودتر این زمین‌ها از طرف مقامات مسئول هستیم.

این سخن از سروسزای گیلان، که در سه نامه واسله به «مردم»، با مهر و امضای و اثر انگشت دهقانان متمسک شمشوشان حدت مسئله زمین و لزوم کوتاه کردن فوری دست بزرگمالکان است، در عین حال نشان‌دهنده‌ی و پدیداری دهقانان زحمتکش است. که به حق مسلم خود آشنا شده‌اند، خواستهای خود را به مقامات مربوطه به روزنامه «مردم»، که مدافع منافع حیاتی آنها و بیانگر نیازهای مبرم انقلاب بزرگ ایران است، می‌نویسند و از طرح انقلابی و بنیادی اصلاحات ارضی صادقانه و بی‌کریانه پشتیبانی میکنند و بوسه‌دهی میدهند تا چاه اندازه مبارزه به حق آنها برای زمین، در پیوند نزدیک با یکدیگر علیه امپریالیسم آمریکا و عمال خدایانقلابی آنها قرار دارند.

## کاخ بیدار بیدار بیدار بیدار

رفقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان!

ما می‌خواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم. برای خریدن و با ساختن خانه حزب به کمک مالی شما نیازمندیم. با کمک خود در این جنبش همبستگی و خلقی شرکت کنید.

کلیه مالی خود را به نام رضا تلویزی، شماره بانکی ۸۶۸، بانک تهران، شعبه ایران‌شهر شمالی بپردازید.

توجه: (۱) پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به حساب شعبه‌های بانک ایران ممکن است. (۲) از کمک‌کنندگان خواهشمندیم فتوکپی لیست بانکی را به آدرس دبیرخانه کمیته مرکزی، تهران، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۸۸ ارسال دارند.

هواداران حزب در زابل تهدید می‌کنند که ماهیانه مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال تا ساختن خانه حزب بپردازند و آرزو دارند که جشن چهلین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را با شکوه تمام در خانه حزب برگزار کنند.

## نمایشگاه سالروز انقلاب تا ۸ اسفند تمدید شد

اسناد، عکس، پوستو، طرح و نقاشی...  
هواها با نمایش اسلاید، فیلم و...

۲۱ بهمن الی ۸ اسفند  
همه روزه از ساعت ۱۰ صبح الی ۶ بعد از ظهر  
محل برگزاری: نمایشگاه بزرگ دانشکده‌های زیبا.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

## روزهای یکشنبه: مردم بزبان کردی

هموطنان کرد مقیم تهران میتوانند روزنامه مردم بزبان کردی را، که روزهای یکشنبه منتشر میشود، از کیوسکهای مختلف تهران دریافت دارند.

## افزایش قیمت‌ها و هزینه زندگی و مساله سود ویژه در کارخانه آسیرکو و شرکت سهامی چای املش (لاهیجان)

ساله سود ویژه و پرداخت آن یکی از مشکلات روز کارخانه‌هاست.

در کارخانه آسیرکو - سازنده مواد شیمیایی و بهداشتی - این ساله پیچیدگی خاصی پیدا کرده است.

پرداخت سود ویژه این کارخانه بر اساس قرارداد سال ۵۶، که از طرف کارفرما و نماینده کارگران با وزارت کار منعقد شده، انجام می‌گیرد. در آن زمان سطح تولید بالا بود و قرارداد مذکور سود ویژه را بر حسب میزان تولید تعیین می‌کرد. در حال حاضر تولید کم شده، ولی هزینه زندگی نسبت به سال ۵۶ فوق‌العاده افزایش یافته است.

وزارت کار پرداخت سود ویژه را بر اساس آخرین قرارداد قانونی می‌شمارد. در حالی که در این فاصله قیمت‌ها گاه بیش از ۱۰۰٪ افزایش یافته و این تفاوت در سود ویژه تأثیر نگذاشته است.

کارفرما مدعی است که قیمت مواد اولیه هم افزایش یافته، ولی کارگران با ذکر شواهد و مدارک افزایش نسبی سود کارفرما را در برابر این ادعا قرار می‌دهند.

کارگران قرارداد پرداخت سود ویژه بر اساس تولید (که در حال حاضر ۳۰۰ تن کمتر از سال ۵۶ است) را جوابگوی نیازهای خود نمی‌دانند و خواستار تنظیم قرارداد مجددی بر اساس میزان فروش با کارفرما و وزارت کار هستند.

کارگران شرکت چای املش (لاهیجان) نیز بر سر مساله سود ویژه با کارفرما درگیری دارند. در سالهای گذشته کارگر به میزان ۱۰۰۰۰ ریال سود ویژه دریافت می‌کرد و مبلغ قابل تقسیم خیلی بیش از این مقدار بوده است. کارگران این شرکت نیز خواستار تجدیدنظر در تعیین ضوابط پرداخت سود ویژه هستند.

## کتابهای

آقای سید محمد میرفندرسکی این مطلب، به تحقیق مجدد خود در طی نامه‌ای مطالب منتشر در ستون «مردم» را در مطالب درج شده در «مردم» یادداشت است. «مردم» مورخ ۷ بهمن ماه، در مورد آقای میر - ۷ بهمن ماه ۱۳۵۸ را تکذیب فندرسکی ادامه خواهد داد و نتیجه کرده‌اند. «مردم» ضمن اعلام راه‌انداز اعلام خواهد کرد.

## تصمیم عاجل دولت به صدور کارتهای چیره‌بندی است.

چیره‌بندی کارتهای گیلان مانع از توسعه و پیشرفت این منطقه است. دولت باید با صدور کارتهای چیره‌بندی به نفع مردم اقدام کند. این کارتهای چیره‌بندی مانع از توسعه و پیشرفت این منطقه است. دولت باید با صدور کارتهای چیره‌بندی به نفع مردم اقدام کند.

امپریالیسم جهان‌نوا، پس‌گردی امپریالیسم آمریکا علیه همه دعوای و تهدیدات خود، به‌مثابه‌ی هنوز نتوانسته است و شاید هرگز نتواند که در زمینه نظامی-سیاسی بر ما ضربه زند. اما نباید فراموش کرد که در زمینه اقتصادی ما به آن قوت نیستیم. امپریالیسم چون کرگی درنده در انتظار ورشکستگی و احتضار اقتصادی‌ماست تا با استفاده از این نقطه ضعف‌ها بتواند خونریز خود را بر یک انقلاب ما فرود آورد. با اقدامات قاطع انقلابی در تمام رشته‌های اقتصاد، باید این ضعف‌ها را به قوت بدل کرد.

## شرایط انگلیس برای...

شرط سیاسی نظامی قائل شد و بدین وسیله از مجرای فروش اسلحه دولتی خریدار را طبع آزاده دولت فروشنده ساخت و بوسیله این دولتی‌های مطیع خلق را به اسارت کشید. مگر نه اینست که بزرگترین اهرم برقراری سلطه امپریالیسم آمریکا و انگلستان در ایران، همین فروش اسلحه در دوران شاه خائن بوده؟ همین هدف را پنجمی آشکار در فرسوطی می‌توان دید که «دولت» محافظه‌کار کارگزار تاجری برای فروش مجدد قطعات چینی قائل شده است: گروگانها را آزاد کنید، تا قطعات چینی تولید بخرید و بدین وسیله به صنایع نظامی انگلستان رونق دهید! یعنی به‌اراده دولت آمریکا گردن نهید تا

## خیانت سادات دست اسرائیل را در اجرای سیاست تجاوز کارانه‌اش بازگذاشته است

منابع یگین، نخست‌وزیر اسرائیل، وعده داده است که ساختن آبادی‌های یهودی‌نشین در سرزمین‌های اشغالی عرب را تمهیل کند. یگین «قول» داده که يك رشته «موانع حقوقی» را که بر سرکشش نامحدود آبادی‌های یهودی‌نشین در سرزمین‌های اشغالی عرب وجود دارد، از میان بردارد. وی اعلام کرد که قوانین تازه‌ای در مورد ایجاد شهرت بیشتر در ساختن آبادی‌ها در سرزمین‌های اشغالی تصویب خواهد شد.

بدین ترتیب سخنان یگین یکبار دیگر نشان داد که موافقت نامه خائنانه که سید یهودیه، که خیانت سادات به خلق‌های عرب از جمله یهودی‌هاست، نسبتاً سیاست تجاوز کارانه اسرائیل را محدود نکرده، بلکه دست صهیونیست‌ها را در سیاست‌های چنانکارانه خود در سرزمین‌های اشغالی عرب بازگذاشته است.

## موضوعی که نسبت به رئیس جمهوری...

نظریات هم‌اکنون قابل تأیید و یا رد نیست. دیگر قابل بحث برای تکمیل و پرمای نیز از آنها قابل انتقاد سازنده است. ولی چون اولاً اظهار این نظریات فعلاً در مرحله اظهار نظر است و ثانیاً عمدتاً تا تشکیل مجلس شورای ملی و دولت و تدوین و تصویب طرح‌ها و لوایح و قوانین مربوطه، محتوی آنها مشخص نیست، نیازی به شتاب برای تحلیل و ارزیابی آنها نمی‌بینیم. بگذاریم آقای رئیس‌جمهور کار کند و آنوقت نسبت به کار ایشان قضاوت کنیم.

نمیتوانیم مسائل مختلف، از سیاست کلی خارجی و داخلی کشور گرفته تا مسائلی که مربوط به مشکلات مشخص در همه زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، فرهنگی، مسأله‌های و غیره است، نظریات خود را در «مردم» بیان می‌داریم (و ضمن بیان این نظریات، هر گاه مفید و لازم تشخیص دادیم به گفته‌های آقای رئیس‌جمهور نیز اشاره خواهیم کرد).

و بدین وسیله هر کس می‌تواند از موضوعی که ما نسبت به کلیه مسائل، اعم از مسائل کلی و مسأله‌های مشخص اطلاع حاصل کند.

## گروه‌های تروریستی دست‌راستی در السالوادور دست‌به‌خوابکاری در کشور زده‌اند

گروه‌های تروریستی دست‌راستی السالوادور با کمک مستقیم امپریالیسم آمریکا و آمریکا با کمک این گروه‌های تروریستی تلاش دارند مانع پیروزی انقلاب السالوادوری و قدرت‌رسیدن نیروهای ترقی-خواه شود. انجمنه تروریستی دست‌راستی يك کلیسای با همبستگي کرده و در يك کالج در نزدیکی سن سالوادور دست‌به‌عمل‌خوشونت آمیز و خرابکاری زده‌اند. از سوی دیگر دبیر کل حزب کمونیست هندوراسی قاشی کرده که امپریالیسم آمریکا سعی می‌کند در السالوادور مداخله کند و برای اینکه از سر باران رژیم‌های سرسپرده گوانتالا هندوراسی استفاده می‌کند. مقام‌های آمریکائی اخیراً در مورد این مداخله با مقام‌های گوانتالا هندوراسی مذاکراتی انجام داده‌اند.

## از کمک‌های رفقا و دوستان سپاسگزاریم

د.د. ۵۰۰۰۰ ریال  
اسفر از کرج ۵۰۰  
هوشنگ ۲۰۰۰۰  
قلی‌بعمتی ۶۰۰

## باید هر چه زودتر راه را برو...

باز نزدیک شدن به سپاه بهار، کمبود گوشت از اینهم بیشتر خواهد شد. دولت می‌تواند برای جلوگیری از قسطنطین گوشت، به وارد کردن آن از کشورهای پیشرفته اقدام کند و این منافع طولانی را، از جلوی دلاکسین قصابی برچیند. به همین منوال در زمینه‌های دیگر، کامیاب دیگر دولت بازگویی خارجی باید باشد. و گرنه افروشی، ملی کردن بازگویی خارجی باید باشد. که قانون اساسی جمهوری اسلامی آنرا پذیرفته است. با اجرای این اصل باید دست سرمایه‌داران بزرگ فارتنگ و سودجور از بازگویی خارجی کشور کوتاه کرد. این سرمایه‌داران وابسته، که در سالهای حکومت طاغوت سرمایه‌های خود را بطور عمده در صنایع مونتاژ و در معاملات زمین‌بکار انداخته بودند و سودهای افسانه‌ای به‌جیب می‌زدند، اکنون که انقلاب ایران آن‌ها را برویشان بسته، تمام سرمایه خود را در بازگویی خارجی بکار انداخته‌اند، تا از این راه، هم‌چنان کثرت‌مقداری از آن کشور خارج کنند. هم‌انواع کلاه‌های لوس‌و تجمیلی و غیر ضرور را با بازار بزرگ‌ترین مصرف‌کننده‌های مرفه راسوزان‌تر کنند و هم‌با وارد کردن انحصاری کلاه‌های مورد نیاز مردم، آزموده و سودجویی خود را سیراب سازند. ملی کردن بازگویی خارجی می‌تواند

## بازگشت به سام تاروخ، امام خمین، مسئله که دستار، را از راه مسالمت آمیز، با تانک

آقای بنی‌صدر بعد از کسب مقام ریاست جمهوری تاکنون

# اخبار کارگری

## چه کسی مسئول اخراج کارگران برق منطقه ای تبریز است؟

برق منطقه ای تبریز در سالهای قبل، یعنی زمان طاغوت، کارگرانی را در قسمت «تیر برق» سازی بکار می‌گمارد و در فصل زمستان آنان را اخراج میکرد. بیمانکار این قسمت که شخصی بنام احسانی است، حدود سه ماه قبل ۳۱ نفر از کارگران را از کار بیکار و اخراج کرد. کارگران متحداً به مراجع مختلف صلاحیتدار مراجعه کردند و خواستار رسیدگی به کارشان شدند. اما برق منطقه ای مسئولیت را به گردن بیمانکار انداخت و بیمانکار نیز به بهانه اینکه دیگر کاری ندارد، به کارگران جواب سربالا داد. لازم به یادآوری است که تمام کارگران از ۶ ماه تا ۳ سال سابقه کار دارند. چالب توجه اینکه این کارگران چهلگی روزمزد کار میکردند و از حق مسکن، اولاد، بیمه، خواربار و... محروم بودند و به تعطیلاتشان هیچگونه مژدی تعلق نمیکرفت، و بطور متوسط روزانه ۶۰۰ ریال مزد میکرفتند.

قبلاً قرار شده بود که هر کدام از کارگران (بسته به سابقه کارشان) خسارتی از ۲۰۴۰ تومان تا ۱۸ هزار تومان پرداخت شود. البته کارگران کار میکنند نه خسارت. با وجود این، بعد از مراجعه به اداره کار دریافتند که به هر کدام خسارتی برآوردند کسر از میزان مذکور تعلق نمیکرد. در نتیجه ب به اعتراض گشودند و روز ۱۱/۱۷ دستجمعی به اداره کار مراجعه کردند و خواستار رسیدگی به کارشان شدند.

کارگران در عرصه سهامی که از اخراجشان میگذرد، هنوز نتیجه ای نگرفته اند. عدم تشکیل آژن نیز یکی از عواملی است که مانع رسیدن آنان به حقوق حقه خویشان میگردد. عده ای با دریافت خسارت موافقت و عده ای دیگر که آگاهترند، با اینکار شدیداً مخالفت می کنند. بجز این وظیفه مقامات مسئول استان است که با برگرداندن کارگران بسر کارشان، کارفرمایان زورگو و ضد انقلاب را سر جای شان بنشانند.

## تشکیل جلسه کانون همآهنگی شوراهای

نمایندگان بیش از ۲۵ واحد صنعتی چندی پیش در جلسه ای که برای هماهنگی شوراهای تشکیل شده بود، شرکت کردند. این جلسه در تاریخ ۵/۱۸/۵۸ در محل ساختمان فلورا تشکیل شد. در این جلسه قرار بود که اساسنامه شوراهای مورد بررسی قرار گیرد، که بررسی کامل و پیشنهاد آن به وزارت کار به جلسه آینده موکول شد. در این جلسه نمایندگان شوراهای مختلف مشکلات و خواسته های شان را بیان کردند.

نماینده زامیاد در شورا گفت: «مسئله اصلی ما در حال حاضر پیشنهاد و پیگیری برای تدوین قانون جدید کار در جهت منافع کارگران است و مسئله دیگر موضوع سود ویژه...»

پس از آن نماینده اونیورسال طی سخن خود یادآور شد که: «هر دولتی به هر شکل ظاهر فریب، اگر مسئله شوراهای را محترم نشمارد، ضد اسلام و ضد انقلاب است.»

نماینده قفل سازی سیریا گفت: «ما خواهان قدرت اجرایی شوراهای کارگری هستیم. ما بید خود عمل کنیم.»

نماینده توپورتا (نماینده شورای کارخانه و نماینده شورای شرق تهران) در مورد وزارت کار و دیگر ارگانها گفت: «دو سپاهدار شرکت، هر دو صبیونست هستند و به اسرائیل فرار کرده اند و سومی هم با پرداخت ۲۵۰ هزار تومان (که سندش موجود است) از کشور فرار کرده است. دوبار از آقای قدوسی حکم گرفتیم تا از داوستانی انقلاب برای بررسی وضع کارخانه بیایند، ولی افرادی چون ایلخانی حکمها را نقض کردند و به کمک افرادی که ۷۰ سهم افتخاری به آنها داده شده، بر روی تمام کارخانه کارفرماهای سابق سرویس گذاشتند و جلوی تمام اقدامات گرفته شد. برنده ۲۰۰ صفحه ای ما در شورای انقلاب مطرح شد، ولی آنها هم مانند دیگران عمل کردند. اینکه اخیراً گفته شد مدیریت موقت به نیتواند کاری بکند و باید همان کارفرمایان سابق بر اداره کارخانه بیایند»

در پایان نماینده چیت ری گفت: «اخیراً نمایندگان از بنیاد مستضعفین بنام نماینده امام آمده اند و میگویند: «شورا بیخود است، ما مدیر کارخانه هستیم، و به این ترتیب باعث تفرقه و زهم باشدگی نظم کارخانه شده اند. اینها در خط امام نیستند. ما بجای سبیل انگاری، از مقامات می خواهیم با مسایل مسئولانه برخورد کنند.»

## کارگران دوزندگی نظامی چه میخواهند؟

کارگران تولید پوشاک نظامی، که در گذشته از ابتدائی ترین حقوق محروم بودند، اکنون نیز در شرایط بسیار بدی بسر میبرند. با اینکه کارفرما در حضور رئیس کمیته ۳، آقای موسوی، با خواستهای قانونی آنها موافقت کرده، ولی عملاً کارخانه را تعطیل و از ورود مواد اولیه به کارخانه جلوگیری کرده است. کارگران که تعدادشان ۹۰ نفر است، بلا تکلیف اند. آنان به وزارت کار و مسئولین امر مراجعه کردند و هیچگونه نتیجه ای نگرفتند. خواست های کارگران شرح زیر است:

- ۱- تامین کار برای کلیه کارگران و بازگشت ۸ تن از کارگران اخراجی.
- ۲- تامین بیمه خدمات درمانی برای کلیه کارگران.
- ۳- اخراج کسانی که از طرف شورای کارگران ناصالح تشخیص داده میشوند.
- ۴- پرداخت کلیه حقوق و مزایای عقب افتاده و پرداخت نشده (حق اولاد، حق مسکن و خواربار)، حق مسکن بر مبنای ۴۰۰ تومان برای متاهلان و ۲۵۰ تومان برای مجردان.
- ۵- استخدام رسمی کلیه کارگران در کارخانه.
- ۶- پیاده کردن طرح طبقه بندی مشاغل با نظر شورا.
- ۷- تعیین بهداشت و وسائیل رفاهی برای کلیه کارگران.
- ۸- نفاذ سالم سرویس منظم و رسیدگی به وضع سرایدان.
- ۹- تبدیل کارمندی به روزمندی.
- ۱۰- پرداخت سود ویژه به کارگران زیر شورا.

# برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

## این سؤال روز خلق ایران است:

## امریکا را میتوانند از زیر ضربات انقلاب بیرون بکشند؟

و در داخل ایران برای سرکوب خلق ایران بکار گرفته شود که گرفته شد. دهها پایگاه نظامی بدستور آمریکا و با پول ایران چپاول شده در ایران ساخته شد، که میلیاردها دلار پول بابت آن به جیب شرکتهای غارتگر آمریکائی، که چون زالو خون این مردم را میمکیدند، رفته است. یک قلم از این نمونه پایگاه نظامی چاهباز است، که با دو میلیارد دلار ساخته شده است.

خلق ایران میدانند و باید بدانند که رژیم شاه مخلوع به کمک ۲۰ هزار آمریکائی در ایران، که ۵۰ هزار آن نظامی بودند و عملاً بر ایران حکومت میکردند و ارتش ایران را در دست داشتند و در واقع به آن فرمان میدادند، ایران را شانه به شانه غارتگران آمریکائی و همداستان آنها در اروپای غربی و ژاپن چپاول کرد.

خلق ایران میدانند و باید بدانند که ساواک ایران را تنها آمریکا سازمان داد و وسعاً دزخیم و شکنجه گر فرزندان این مرزوبوم را مستقیماً آموزش داد، بلکه خود نظارت مستقیم بر تمام جزئیات آن داشت و از این تشکیلات مخوف نیز در خدمت توطئه هایش در سطح نه تنها منطقه، بلکه جهان استفاده میکرد.

خلق ایران میدانند و باید بدانند که دهها مرکز جاسوسی و مخابراتی با پول مرده ایران در خاک ایران مستقر شد تا بوسیله آنها دوست واقعی ایران، یعنی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و همچنین کشورهای ضد امپریالیستی منطقه توطئه چینی شود.

بدلیل مجموع همین آگاهی است که باید آب پاک روی دست هر دو گروه با «حسن نیت» سازشکاران و طرفداران آمریکائی و با سوهیت ضد انقلاب حرفه ای و مزدبگیر ریست و اعلام داشت که انقلاب ایران مکرر خون غرق شود تا آمریکا به منظور خود برسد. که بدلائل مختلف چنین امکانی هم نیست، که یک دلیل ساده آن مسلح بودن خلق و آگاهی مردم و درجه افزایش آن است.

این آگاهی رو به افزایش پیروزی انقلاب و با پس از حاصل نشده است. بلکه ریشه ای عمیق در ایران دارد و نشانه های آن در شاره های مردم در رزهای خون و آتش و در لحظاتی که حتی طرفداران باصلاح صادق آمریکا هم که مخالف استبداد بودند، ولی تصور آنها نمی کردند که رژیم شاه دردم کوبیده شود، کاملاً محسوس بود.

آنها که در خیابانها و در کنار مرده جان بر کف بودند، هنوز خوب بخاطر دارند که مرده فریاد میکشیدند

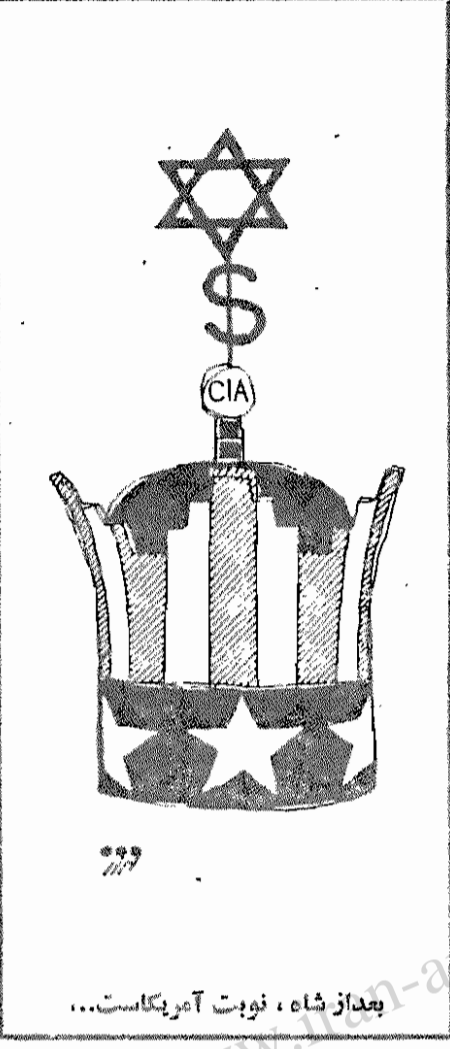
هویز «امریکائی اعدام باید گردد» ، «امریکا دشمن ماست» و «ارتش تو مال مائی نه مال امریکائی» و ...

این شمارهها بعد از پیروزی انقلاب و با پس از تسخیر جاسوسخانه امریکا بر زبان مردم نیامده که انگیزه آنها اشغال جاسوسخانه امریکا بدانیم. این شمارهها مربوط به زمانی است که هنوز شاه نیز بتواند یک تاکتیک ایران را ترک نکند بود و ذفرال هویز امریکائی در تهران بود و در واقع ارتش و حکومت را در دست داشت و برای شکست انقلاب ایران نقش میکشید.

اینکه همه تلاشهای جناحهای طرفدار امریکا و دوستدار امریکا برای تزیین جو ضد کمونیستی و ضدیت با اتحاد شوروی و با انقلاب ایران بی نتیجه میماند در همین رابطه است.

اما اینکه احتمالاً این جناح و در کنار آن ضد انقلاب حرفه ای سر انجام خسته شده و میدان را ترک خواهند کرد، خیالی است. خام آنها کوچکترین فرصتی را برای رسیدن به هدف خود از دست نخواهند داد و به همین دلیل صف انقلاب نیز کوچکترین فرصت را برای بیرون راندن آنها از صحنه سیاسی - اقتصادی ایران از کف نباید بدهد.

پوش آنها برای استفاده از فرست کوتاهی که بنظر آنها برائز بیماری امام خمینی پیش آمده بود، بهترین دلیل این مساجت و پیگیری است. پیوستن تبلیغاتی سیاسی به دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، هجوم بی رقیب از مواضع مختلف برای تسخیر رادیو تلویزیون، ایجاد ترس در مردم و پاشیدن تسمه یاس و ناباوری در دل آنها، زهر پاشی بی رقیب علیه کشورهای سوسیالیستی و ... نیز گوشه ای از این هجوم است، که باید با دست تیرموند انقلاب پس زده شود، تا انقلاب در مسیر واقعی خود، یعنی جهت ضد امپریالیستی و خلقی پیش برود.



تانیاً خلق ایران که ددشوارترین لحظات انقلاب با پایداری و مقاومت در برابر دزخیان شاه مخلوع درگویی و برزن، زندان و خانه و... پیروزی را در آغوش کشیدند، حالا دیگر عقیماً میدانند که آن دستی که رژیم خونخوار غارتگر و ضد خلقی شاه مخلوع را بر ایران حاکم کرد، بود دیسان ازان ترند و حیل و برای ادامه غارتش در ایران آنرا حفظ و تقویت میکند، آمریکائی غارتگر بود و در این غارت و تلافی برای باقی ماندن شاه مخلوع و رژیمش در ایران، از یاری همه جانبه «نظامی - سیاسی» تمام کشورهای مصر، اسرائیل، عربستان، پاکستان و... برخوردار بود.

همین آگاهی یکی از دلایل ناکام ماندن طرفداران آمریکا و سازشکاران برای متوقف کردن روند انقلاب ایران و از زیر ضرب خادج کردن آمریکا و جواز دادن دوستان انقلاب ایران بجای آن شده است.

تعلیمات ضد کمونیستی و ضدیت با کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنها اتحاد شوروی در طول انقلاب ایران از جمله این تلاشهاست که ناکام مانده است و بدلیل شرایط عینی حاکم بر جامعه و واقعیات موجود ناکام خواهد ماند.

خلق ایران میدانند که طی این سالها توسط کدام کشورها غارت شده است و کدام کشورها از همسو برای درهم شکستن انقلابی تلاش میکنند.

خلق ایران میدانند و باید بدانند که طی ربع قرن اخیر، یعنی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۰، امپریالیسم آمریکا ایران را به بزرگترین و مهمترین پایگاه نظامی - سیاسی خود در خاور میانه، اقیانوس هند و حتی آسیا تبدیل کرده بود. از همین پایگاه توطئه های خونینی نظیر قتل عام خلق عمان توسط «ارتش شاهنشاهی ایران» تدارک دیده و به اجرا درآمده بود.

خلق ایران میدانند و باید بدانند که کل درآمد عظیم حاصل از دو میلیارد تن نفت استخراجی ایران یک راست به جیب امپریالیسم آمریکا رفت و در عوض اسلحه امریکائی بطرف ایران سرازیر شد تا در خدمت همین توطئه های خونین قرار گیرد. یک قلم این غارت، ۲۰ میلیارد دلار پولی است که آمریکا در عوض سلاح امریکائی از ایران به نیامده است. سلاحی که بایست در خدمت منافع آمریکادار منطقه

امپریالیسم آمریکا میتواند خود را از زیر ضربات انقلاب ایران بیرون بکشد؟ در واقع باید گفت سر نوشت ایران با این سؤال و پاسخ آن رابطه مستقیم دارد.

تمام حوادث و رویدادهای انقلاب ایران، چه قبل از پیروزی و چه بعد از پیروزی انقلاب، به نوعی حکایت از همین تلاش امپریالیسم آمریکا برای بیرون کشیدن خود از زیر ضربات انقلاب ایران دارد.

در متن همین تلاش آمریکا، مزدبگیران و وابستگان مستقیم آمریکا در هیأت ضد انقلاب داخلی، در جریان انقلاب ایران، چه قبل و چه بعد از پیروزی خلق ایران، لحظه ای از یکبار علیه انقلاب ایران و دستاوردهای آن غفلت نکرده اند.

در کارنامه و تقویم خونین آنها دهها نرور، چنگ امریوزی، خرابکاری، انفجار، آشوب، بلوا، نفوذ در نهادهای برآمده از انقلاب به منظور پس اعتیاد کردن این نهادها و ایجاد انفجار دومی در آنها و... ثبت شده است.

آمریکا برای رسیدن به این منظور خود، در طول انقلاب ایران از کمک و یاری باصلاح دوستداران و هواداران نیز سود برده است. همان دوستداران و هواداران که شفته سیستم اقتصادی - سیاسی آمریکا هستند و در قالب بورژوازی لیبرال این روزها بعنوان خط سازشکار در برابری سازش ناپذیر و قاطع امام خمینی، برای قطع کامل دست امپریالیسم و در رأس آنها آمریکائی جنایتکار از منابع ایران صف آرا شده اند و در این روزها با حملات همه جانبه به دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و حتی مخالفت سریع با اشغال جاسوسخانه آمریکا و گروگان گرفتن جاسوسان امریکائی با آن در ستیزند.

در کارنامه سیاسی این دسته نیز کمونیزم ستیزی دشمنی با کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنها اتحاد شوروی، مخالفت با برقراری هر گونه رابطه اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی، تبلیغات بی وقفه برای یکجانبه کردن اتحاد شوروی بجای آمریکائی جنایتکار بعنوان دشمن انقلاب ایران، تلاش برای نزدیک کردن ایران به کشورهای اقدار امریکائی جهاننوار، دوری و حتی ستیز تبلیغاتی با کشورها و رژیمهای خلقی که با حفظ ایدئولوژی غیر مارکسیستی خود نجات انقلابیان را به حق در پیوند با جهان سوسیالیزم یافته اند، حمل و تخریب و تخریب نه تنها روز، بلکه تاریخی برای پنهان کردن دستهای جنایتکار امریکائی، لجن پراکنی بی روقفه علیه نیروهای عقیماً ضد امپریالیست و خلقی نظیر حزب توده ایران، تکرار بی امان برداشتهای یک طرفه و یکجانبه و مفرضانه خوش از کمونیزم و کشورهای سوسیالیستی، کوشش برای بازداشتن انقلاب ایران از حرکت و... ثبت است.

علاوه بر این در تلاش انزوی مزدوران حرفه ای آمریکا و طرفداران باصلاح با حسن نیت و جهان سخت انقلاب می گذرد، آمریکا نه تنها نتوانسته است خود را از زیر ضربات انقلاب ایران بیرون بکشد، بلکه مشن انقلاب هر روز مستکثر از روز قبل بر سر آن فرود آمده است. این پیروزی انقلاب ایران است و باید آنرا حاصل و عوامل مشخص دانست.

اولاً دو خصالت اساسی انقلاب ایران بسازها و پاره ها انزوی رهبر انقلاب، امام خمینی، به مناسبت های گوناگون تشریح شده است. بر اساس این دو خصالت انقلاب ایران انزوی خلقی است، زیرا با بدست گرفتن رابرمستکبران غلبه دهد و کوخ نشینان را بر کاخ نشینان پیروز گرداند و انزوی دیگر عقیماً در ستیز با امپریالیسم جهانی و در رأس آنها امریکائی جهاننوار است، که باید دستش از ایران کوتاه شود.

این دو خصالت انقلاب ایران در پیوند جسدائی ناپذیر از یکدیگر هستند، باین معنی که هر قدر دستهای غارتگر امپریالیسم آمریکا و اقدار جدائی ناپذیر آن در غرب در ایران بازگذاشته شود، به همان اندازه از خصلت خلقی آن فاصله گرفته شده است. به همین دلیل است که باید با سراجت گفت، آنها که حتی باصلاح با حسن نیت خواهان حفظ رابطه با این جهاننصوار و دیگر کشورهای غربی هستند و تصور می کنند امپریالیسم امریکا می تواند در پاره های ایران سر عقل بیاید و بایست مدد ترو خواهی و پذیرش اشتباهات گذشته اش را بشود، آبدرد هاون می کوبند و عملاً در جهت مخالف خواست انقلاب و خط تعیین شده آن از سوی رهبر انقلاب، امام خمینی، حرکت می کنند.

# گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

# چریک‌های فدائی خلق، انترناسیونالیسم

## میگویند مسیح بهنگام تولد، لبخند میزده است.

## مارکسیسم اما بهنگام تولد، غرشی قدر آسار

## داد که رعشه مرگ بر اندام سرمایه‌داری در سراسر

## جهان افکند:

### پرولتاریای جهان متحد شوید!

این کلمات از آنرو وحشت عمیق سرمایه‌داری را برمی‌انگیزد که نه شعاری ناکجا آبادی، بلکه بازتاب یک واقعت نوین تاریخی بود. برای نخستین بار در طول تکامل جامعه بشری، طبقه‌ای پایه عرصه خود آگاهی تاریخی گذاشته بود که در سراسر جهان منافع و مصالحه یگانه داشت. انترناسیونالیسم زمینه‌ای عینی داشت و این کلمات که بیان و چکیده محتوی آن بشمار میرفت، در ذهن بورژوازی، همچون طنین ناقوس مرگ، ترسناک بود. چندی بعد با پشتیبانی پرشور انترناسیونال اول به رهبری مارکس و انگلس، از کمونارهای قهرمان پاریس ناقوس عملا بصدا درآمد.

دین تریب انترناسیونالیسم از آغاز جریه تنگناپذیر چینی وایدنو- لوزی پرولتاریا بوده است. بیپرده نیست که هرگونه تجدیدنظری در مارکسیسم، یا تجدیدنظر در سیاست انتر-ناسیونالیستی منطبق با روح دوران آغار میشود و یا سرانجام بدان منتهی میگردد.

نخستین یورش بزرگ روزیوویسم به جنبش کارگری جهانی، یورش سوسیال-دموکراسی راست اروپایی، هنگامی پایان گرفت که ایور-تویسم کاتولیکی و شرکاتش در آخرین استعجال به سوسیال-شورویسم و سوسیال-امپریالیسم تبدیل شد. در این هنگام بود که لنین، که همواره با نفرت و ازجر از گرایسهای سوسیو-فالیستی برخی از سوسیالیستها، یاد میکرد، ورتشستکی انتر-سوسیونال دوم را اعلام کرد:

«ایور تویسم در سیر رشد خود به مرحله گندزدگی رسیده و بطور قطعی به اردوگاه بورژوازی رولیده و به سوسیال-شورویسم مبدل شده است؛ چه از لحاظ معنوی و چه از لحاظ سیاسی بیوند خود را با سوسیال-دموکراسی شکسته است و از لحاظ تشکیلاتی نیز پیوند خود را با آن خواهد گسست.» (۱)

تومین یورش بزرگ روزیوویسم به جنبش کمونیستی جهانی - یورش ماوتوسیسم - در جامعه «چپ» و زیر شعار «سازش» با روزیوویسم-انجام گرفت. ماوتوسیسم بسیار سریعتر از سلفاروپائیش به مرحله گندزدگی رسید و جوهر شورویستی و خدینت‌پند خود را آشکار ساخت. ماوتوسیستها، که تر لینی همزیستی سالم‌آمیز را مظهر سازش دو نظام سوسیالیسم و سرمایه‌داری اعلام میکردند، در سیر انحطاطی خویش، یا تو- به برجسب سوسیال-امپریالیسم و نظریه دو-امبردرت و «تئوری سه جهان» به منجذاب دست‌چتری مرتجعترین نمایندگان و محافظ امپریالیستی در غلط‌پند و ماهیت خود را هر روز بیشتر از دیروز آشکار کردند.

با این وجود، از آنجا که دوره چه‌مایی ماوتوسیسم (دوره پیش از «انقلاب فرهنگی») با دوره روی آوردن به جنبش ترمای از افشار عقب‌سرم‌جنگکنش و روستا و روشنفکران و دانشمندان در کشور، همیشگی سرمایه‌داری و در به‌صلاخ جهان سوم به سوسیالیسم هم‌زمان بود، آذر محراب این فریب بزرگ تریخی ابعادی نسبت وسیع بحدود گرفت. سوسیال-دموکراسی این آفتاب در سراسر جهان از راست و چپ عصر و به جنبشهای مختلفی از نظام قد ماوتوسیستی را جذب کرد و خود بدرجت‌محتلی بیدگر آن‌شدند. یکی از ویژگی‌های جریان‌های انقلابی خرد بورژوازی پس از نخستین سالهای دهه ۱۹۶۰، تأخیریاری این جریانه‌ها را ماوتوسیسم است.

در سبب شکل ویژه‌ای از این جریان عمومی در جنبش انقلابی جهانی بروز کرد. با آغاز دهه چهل رشد سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم در کشور ما شتاب هرچه بیشتری گرفت. گروه‌های نوین اجتماعی، که میتوان آنها را، آنطور که مصطلح شده، طبقه متوسط جدید نامید، در رابطه با این رشد سریع بوجود آمدند و به رودی نشیدگان روشنفکر آنان تحت‌تأثیر دهشتی سرمایه‌داری و تحت تأثیر اعتبار دور-افزون جنبش کمونیستی جهانی در گفتار به مارکسیسم-لنینیسم گرویدند.

ویژگی جو انقلابی ایران در سالهای دهه چهل این بود که اگر یکسره روز سازران تازه نس بیشتر به مرز مرگ و زندگی ما مرتجعترین و خونخوارترین رژیم تاریخ کشور ما روی می‌آوردند، و از سوی دیگر، بعقل سرگوب ددشنامه حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر توسط امپریالیسم و ارتجاع داخلی و در شرایط خفتن دین توری، تخرمه عی حشش ک... کمونیستی ایران، منابع امیل تئوری انقلابی از دسترس سیاری از آن، که گرایش و علاقه فراوانی نسبت به مارکسیسم - لنینیسم

نشان میدادند، دور بود. ساواک آریامیری که کمونیسم را در چهره حزب توده ایران می‌شناخت، نسبت به منابع امیل تئوری مارکسیستی، که خواه نخواست نشان خور توده ایران را با خود داشته، حساسیت و دشمنی سیمانه‌ای از خود نشان میداده در حالیکه متون شبه مارکسیستی مربوط به جریانه‌های خرد بورژوازی آمریکای لاتین - حداقل بزبان فارسی - و در این اواخر آثار ماوتوسیستی، که مضمونشان با تبلیغات ضد-کمونیستی ارتجاع جور دمی‌آمد، بسوفور در دسترس روشنفکران قرار داشت. رنگین‌نامه‌های مزدور، در حالیکه از هرگونه نشانه‌ای از تفکر امیل مارکسیستی تهی بودند و کمونیسم‌ستیزی و شوروی‌ستیزی بگیری از تبلیغ می‌کردند، اخبار، مصاحبه‌ها و مقالات متعدد درباری ساززین آمریکای لاتین، درباری «مبارزه با تجدیدنظر-طلبی» ماو و «انقلاب فرهنگی» و تجربه نوین ساختمان کمونیسم در چین، منتشر میگردد. دوره‌های «فردوسی» و «جهان نوه شاد» بر این منغاست، تأثیر ضد کمونیستی، ضد شوروی و ضد توده ای این ادبیات شبه مارکسیستی در سالهای پیش از دهه پنجاه، عامل اصلی برای آزاد گذاشتن عمدانه نشر آنها بوده است.

در چنین جوی، که بدون شک حداقل بصورت ناخودآگاه بر جهت‌گیری‌های عطفی روشنفکران انقلابی تأثیر می‌گذاشت، بود که آنچه که برخی از آنها «جنبش کمونیستی ایران» می‌نامند، یا گرفت. بخش امیل و اصلی این «جنبش»، سازمان چریک‌های فدایی خلق است. بحث ما محدود به بررسی برداشت چریک‌های فدایی از انتر-سوسیونالیسم، از جزء لانگفیلد جهانی بینی و ایدئولوژی پرولتاریاست. ذکر این مقدمه کلی و بررسی تاریخچه تطورات تئوریک سازمان در رابطه با این موضوع، برای درک جامع‌تر قسما ضروریست.

ذهنیت نخستین فدائیان خلق، این مرغان پرسوخته طوفان، که اگر چه اینک مبارزه خود را از عوامل ایجاد طوفان میدانند، اما در واقع حضورشان در صحنه جنبش انقلابی، در کنار پدیده‌های دیگر، نمودار آغاز بحرانی ریشه‌دار و عمیق در کل سیستم سرمایه‌داری وابسته ایران بود، محصول ترکیب مجموعه عوامل ذهنی حاضر در جو سیاسی و انقلابی میهن ما، بر زمینه خصالت‌های طبقاتی روشنفکران انقلابی بود. بر همین روال تئوری سازمان فدائیان از دره-ایختن در جریان مشخص شبه مارکسیستی در جریان دشواری دست‌رسی به تئوری امیل انقلابی، بوجود آمد.

جریان نخست، که از آمریکای لاتین می‌آمد، محصول تفسیر و تحلیل خرد بورژوازی انقلاب کوبا بود. نتیجه‌گیری‌های ناشی از تفسیر شتابزده تجربه انقلاب کوبا، نسخه برداری از آن و تعمیم آن به سراسر جهان، به مذاق روشنفکران انقلابی بی‌حوصله و عصبانی و عاری از تربیت مارکسیست-لنینیستی بسیار خوشایند نمی‌دو. دلچسپی نخستین فدائیان به روشنفکران انقلابی آمریکای لاتین آنچنان بود که رهبران گروه احمدزاده حتی اسامی مخفی خود را از آن گرفته بودند (یویان: گامیلو، احمدزاده: فراریک، مفتاحی: امانویل) (۲).

از نظر تئوریک نیز «مبارزه مسلحانه، هر استراتژی هم تاکتیک» - جزوهای که ناسالبا مانیفست فدائیان بشمار می‌آمد، کمی ایرانی «انقلاب در انقلاب» رژیم دیره بود. جریان دوم، مجموعه نظریات ماو در دوره چه‌مایی ماوتوسیسم بود. رجزخوانی چه‌ماییانه ماو در برابر جنبش کمونیستی جهانی و در راس آن حزب کمونیست اتحاد شوروی، و انشعاب طلبی انقلابی-پانهاش، بشدت غرور ناسیونالیستی و خودمرکزیتی و فرقه‌گرایسی روشنفکران انقلابی «طبقه متوسط جدید» ایران را ارفا میکرد. علاقه آنان به ماو بحدی بود که تفاوت بنیادی بخشی از نظریات ماو را،

چپ‌نمایی ماوتوسیسم بود. رجزخوانی چه‌ماییانه ماو در برابر جنبش کمونیستی جهانی و در راس آن حزب کمونیست اتحاد شوروی، و انشعاب طلبی انقلابی-پانهاش، بشدت غرور ناسیونالیستی و خودمرکزیتی و فرقه‌گرایسی روشنفکران انقلابی «طبقه متوسط جدید» ایران را ارفا میکرد. علاقه آنان به ماو بحدی بود که تفاوت بنیادی بخشی از نظریات ماو را،

۱- لنین، منتخب آثار یک جلدی، تهران، ۱۳۰۰.  
۲- تاریخچه گروه‌های تشکیل دهنده چریک‌های فدایی خلق صفحات ۱۷

حمید مومنی یکی دیگر از تئوریسین‌های فدائیان، که به‌جانب‌داری کم و بیش از نظریات احمدزاده مشهور است، پس از احمدزاده، رهبری ایدئولوژیک این جریان را بر عهده داشت و در این خط تا آنجا پیش رفت که برای اولین و آخرین بار در تاریخچه فدائیان، بطور تئوریک و تئوریک سوسیالیسم ادعایی ماوتوسیست‌ها را نیز پذیرفت و بدینسان در دوره خیانت آشکار ماوتوسیسم به جنبش کمونیستی جهانی نیز، فدائیان را به هم‌نوازی با ماوتوسیسم جهانی کشاند. در مقاله «گرایش بر است در سیاست خارجی جمهوری خلق چین»، که در آبان ۱۳۵۳، یعنی چند سالی پس از آنکه ماو تئور سوسیالیسم را اختراع کرده و به همکاری علنی با مرتجعترین محافظ امپریالیستی دست زده است نوشته شده، آمده است:

«... دو شکل اخیر بورژوازی (در کشور-های سوسیالیستی) یعنی قشر ممتاز و قشر بزدلان و سوء استفاده‌چیان که تقریباً هر دو قشر از افراد واحدی تشکیل شده... با استفاده از موقعیت ممتاز خود در دستگاه حزب و دولت در خدمت آن اثر می‌گذارد و اقتصاد ملی را به سوی که منافع خودشان را بیشتر تأمین کند، هدایت می‌نمایند.» و «بورژوازی کشورهای سوسیالیستی نیز با رخنه در رهبری حزب و دولت جامعه خود سعی میکنند از این شیوه عمل امپریالیستها درس بگیرند، خدمت‌ش اقتصاد جامعه را برپایه منافع ملی بنا میکنند و بازرگانی خارجی را بسوی سودهای استعماری هدایت می‌نمایند.» و سرانجام «در نتیجه سطح زندگی توده‌ها در داخل کشور سوسیالیستی ارتقاء می‌یابد و ساعت‌کار کاهش پیدا میکند، اما بقیتمعامله با سرنوشته خلق‌های خارجی، بندوبست با امپریالیستها و غیره.» (۳)

این سه‌ملاط ماوتوسیستی، رورکاری نظر رسمی سازمان فدائیان در مورد اردو، گام سوسیالیسم بوده است. هم امروز که فدائیان رسماً اتهام سوسیالیسم امپریالیسم را در مورد این کشورها نمی‌پذیرند، این «کشفیات» بنام‌رسالات سازمان چریک‌های فدایی خلق چپ و وجود روشنفکران هنوز هم تشنه تئوری انقلابی داده میشود و سانساده سازمان کورچکترین تلاشی در جهت انتقاد از خود و تبری از این نظریات ضد-انقلابی و ضد کمونیستی، نشان نمیدهد.

الب اینجاست که در مقاله فوق که طهاره به بررسی «انحراف به راست در سیاست خارجی چین» اختصاص دارد، نویسنده پس از ذکر این «نظریات» درباره «جامعه سوسیالیستی بطور کلی» می‌نویسد:

«اکنون بیسیم آیا در جمهوری خلق چین نیز چنین خطری بطور مشخص وجود دارد؟ در پاسخ، نویسنده نخست برای انصاف و درقاعی چنینی اعلان «اشتباه» را هم در کنار امکان «نفوذ بورژوازی در رهبری» قایل می‌شود، سپس ادعا میکند که:

بظن میرسد «رفیق ماو... اکنون کمتر از هر وقت دیگر در حزب و دولت قدرت داشته باشد» و «جنب راست به رهبری چوئن‌لای و تنگ‌شینیونیک... هم اکنون بر حزب و دولت تسلط دارند و سیاست خارجی کنونی چین در واقع بوسیله آب تنظیم شده است.» و «جنب چه (امروز داروخته چهارفرفری) «پوزوسیون درون حزب و دولت را تشکیل میدهد و با سیاست خارجی چین و روابط وسیع بازرگانی با امپریالیسم و دست‌نشدن گشتن شدیداً مخالف است.» (۴)

دیدیم که نه با مرگ چوئن‌لای و برکناری تنگ شیائوپینگ بوسیله ماو، که اتفاقا در حزب آنچنان قدرتی داشت که میتوانست با یک دستخط نامزد نخست‌وزیری چین را به تبعید دوم بفرستد، نه با قدرت گرفتن داروخته چهار-نفری و نه با سرنگونی آنها و قدرت گرفتن مجدد تنگ شیائوپینگ، هیچ تغییری در سیاست خارجی چین ایجاد نشد. همه اینها چیزی بیش از دست‌انبرداری پوچ برای نتره ماو از تنگ خیانت و حفظ میراث شوم او نبوده است.

این کوشش برای مشاطه‌گری ماوتوسیسم، زودون لکه‌های نازدودی تنگ حیانت از دامان آن و حفظ جنبه‌های اصلی و اساسی تفکر ماوتوسیستی، یکی از وجوه مشترک خط‌ش چریک-ماوتوسیستی با خط‌ش ماوتوسیستی است. راهی که مومنی در این مقاله میکشاید، همان راهیست که بعدها بوسیله ماوتوسیستهای چپ‌نمای ایران دذبوحانه دنبال شد و همچنان دنبال میشود. فدائیان حتی امروز هم در دست‌انبرداری برای تیرگه ماو با ماوتوسیسم همکاری میکنند.

۳- چهار رساله از سازمان چریک-های فدایی خلق صفحات ۷۸-۸۰  
۴- هانجا، صفحات (۱۰۹-۱۰۸)

که مربوط به سالهای پیش که او هنوز چاه عاریت مارکسیسم - لنینیسم را زتن بدتر کرده بود، با نظریات رژیم دیره، ندیده میگرفتند و شکلی مکانیکی وجوه مشترک این دو جریان شبه مارکسیستی را جمع‌بندی میکردند و آمارابری ارضای شتاب‌زدگی و عصبانیت خویش از دهشتی سرمایه‌داری و برای توجیه «مبارزه مسلحانه» تروریستی بکار میگرفتند. احمدزاده خود در این مورد می‌گفت:

«اگر در همین ایام مرزبندی بین مارکسیسم - لنینیسم از یکطرف، و روزیوویسم و ایور-تویسم از طرف دیگر، در یک مقیاس بین‌المللی شکل نگرفته بود، شاید سلب اعتماد از حزب توده در آغاز، تا حدودی موجب سلب اعتماد از کمونیسم هم شده بود. اما اینک نظر میرسد که مقام مارکسیسم-لنینیسم واقعی خالی است و باید پر شود. پس مارکسیسم-لنینیسم انقلابی، به‌نایب تئوری انقلاب، تنها ملجاء بیکرترین انقلابیون شد. بدین ترتیب اقبالی وسیع و چشمگیر از جانب روشنفکران انقلابی به مارکسیسم - لنینیسم، که حالا با نام‌اندیشه‌های رفیق ماو عجین شده است، مشاهده می-شود.» (۳)

دینسان مشی چریکی، یا پتر یگوتی مشی چریک - ماوتوسیستی از امتزاج نامیون دریم و ماوتوسیسم بوجود آمد. در طول سالها، تحولاتی که در اندیشه فدائیان بوجود آمد، در چهارچوب ترکیبهای متفاوتی از این دو جریان محدود میشد. تنها در ماه‌های اخیر ما شاهد وارد آوردن شرایط ناپیکر بر پیکر دریم، و خراسایی بر چهره ماوتوسیسم بوده‌ایم.

اما در مورد آنچه که مستقیماً به بحث ما مربوط میشود، چنانکه دیدیم جنبش کارگری و کمونیستی جهانی، پس از نخستین کنفرانس بین‌المللی در ۱۹۵۷، با ارزیابی همه‌جانبه شرایط جدید و تأمل‌نویین قوا بین سوسیالیسم سرمایه‌داری، مضمون اصلی سیاست خارجی کشورها، سوسیالیستی را همزیستی سالم-آیز اعلام کرد. این رهنمود چیزی جز بیکار-گیری تر لینیسی همزیستی سالم-آمیز در ابعاد وسیع و در انطباق خلاق با تناسب نوین قوا در حال و آینده نبود. ولی درک جامع و کامل این امر برای عناصر و جریانهایی که پتر دلیلی در حاشیه تکامل تئوری انقلابی قرار داشتند، تجربه نداشتند و یا درصدد انتصاب از جنبش کمونیستی و کارگری بودند، دشوار بود. پوزیه که سالها باید میکشید تا پراتیک انقلابی بوضوح نشان دهد که همزیستی سالم-آمیز تنها «مقالی» یا پشتیبانی بیدریع از جنبش-های آزادیبخش ملی ندارد، بلکه بهترین شرایط را برای پیشروی هر سه بخش جنبش انقلابی-چینی فراهم میکند و درست بهمین دلیل، این سیاست همان سیاست انترناسیونالیسم پیگیر پرولتاری در قالب جدید و در شرایط نوین است.

آغاز هوچیکری ماوتوسیست‌ها در این باره، درک قسما را برای عناصر و جریانهایی که با ترمه‌ای اندک از تئوری انقلابی و به باری سسکین از خصالت‌های خرد بورژوازی در حل پیوستن به جنبش انقلابی جهانی بودند، از اینهم دشوارتر کرد.

ماو که همچنانکه تاریخ نشان داد، خود در حال دورچین برای سازش با امپریالیسم بود، با گسختی مثال‌زنی نظریه همزیستی سالم-آمیز را نظریه سازش با امپریالیسم خواند و کوشید با جار و ججالی عوام‌فریبه درست‌هین عناصر و جریانهایی نو، را با خود همراه کند و بعدها همراه خود، به منجذاب همکاری با امپریالیسم بکشاند. از زمان انشعاب ماوتوسیسم، بحث بر سر نظریه همزیستی سالم-آمیز، محور اصلی بحث مابین انترناسیونالیسم پرولتاری و سوسیالیسم و سوسیالیسم خرد بورژوازی و پذیرش جامع و کامل آن، بدرستی معیار قطعی شناخت پیگیر-ترین انترناسیونالیستهای جهان بوده است.

فدائیان از آغاز هم‌صدا با ماوتوسیستها و یا بهتر بگوییم بصورت بخشی از جنبش-ماوتوسیستی جهانی در دوره چه‌مایی آن همزیستی سالم-آمیز در ابعاد نوین‌شرا، بخشی از مجموعه نظریات «روزیوویستی» جنبش کمونیستی جهانی و استتاری تئوریک برای سازش کمونیستی با جهان با امپریالیسم می‌دانستند. برای مثال علی‌رضا نایلد، یکی از اعضای برجسته گروه احمدزاده، در جزوه «آذربایجان و ساله ملی»، با الفاظی رکیک و ماوتوسیستی از جنبش کمونیستی جهانی و سازش با امپریالیسم یاد میکرد. در دوره‌های که نظریات احمدزاده تئوری تسلط در سازمان فدائیان بود، جنبه‌های دیگری از «روزیوویسم» در جنبش کمونیستی جهانی سبب وجود ضعف فرط آیدو-لوژیکی که خود فدائیان بوجودش حداقل در آن سالها ابتزاز آردند، کشف شد و در مقالات مختلف برشته تحریر درآمد. بر حسب تصادف (۱) همه این جوانب، همانها بودند که در نامه بیست و پنج ماده‌ای کمیته مرکزی حزب کمونیست چین خطاب به کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی (۱۹۶۳) در نه تفسیر نویسندگان «ژن-مین» ژیبائو، ذکر شده بود.

۳- مسعود احمدزاده - مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک، چاپ خارج، صفحات ۴۱ و ۴۲  
۴- هانجا، صفحات (۱۰۹-۱۰۸)

حفظ اصول اساسی مشی حویثی، نه احمدزاده را کنار نهادند و نظریات چ بنوان تئوری رسمی سازمان پذیرفتند. نظریات با اینکه در مقایسه با نظریات-گامی بلند به پیش محسوب میشد و جنبه مختلفی از واقعیات جامعه ما را، هر چه ناقص و مخدوش منعکس میکرد، قه اساسی مشی چریکی را با مشی پرولتاریا نشده باقی میگذاشت و از اینرو برای ویکارچگی سازمان حول محور مشی چ مناسب‌ترین قالب بود.

جزئی مفهوم احمدزاده‌ای و دیرینه سلحانه را رد میکرد، اما آنرا بصورت سلحانه، می‌پذیرفت و در واقع نسبت «سوسیال رولوسیونری» از نظریات انان خرد بورژوازی آمریکای لاتین را برای تجویز میکرد. از سوی دیگر او در ان انصراف جهانی ماوتوسیسم از جنبش کارگری مومنی بیطرفانه و سانسرتیستی میگرفت و ماهوی میان دو خدمتی را به‌سطح اختلا رهبری «شوروی» و «چین» تزلز میداد و نظرات داخلی این اختلافات را نیز در کمونیستهای ایرانی از ایسن یا آن سوسیالیستی میدانست! خود او در این میگوید:

«ایدئولوژی گروه (گروه جزئی) - مارکسیسم-لنینیسم بود. در سوسمکتیر اختلافات چین و شوروی رسماً معتقد به مستقلاً از این طهب بود، ولی در بین گروه تمایلاتی در دو جهت محافظ‌وجود و نیز در دادگاه گروه آ کشفی‌شدن موضوعی ایدئولوژیک نسبت به چین شوروی و حزب توده گامانه حواری کر موضع جزئی در همه این موارد موضعی پراگماتیک و در جهت کرد مبارزینی با جهان‌بیزی‌ها و ایدئولوژی‌های حول مشی تبلیغ سلحانه بود. جزئی در ان نیز در رابطه با اردو گام سوسیالیسم نوعی اتحاد و انتقاد در را پیش گرفته بود. جزئی نمایشگر برداشتی سوسیال‌رولوس از تجربه انقلاب کوبا است، که آنظر اساسی مرکز تحت‌تأثیر ماوتوسیسم قرار در میهن ما دانست. میدانیم که طر قسما جزئی نماینده‌اش بود، در انقلاب کوبا به ترین و درخشندترین رجه و در انقلاب نیکار تا حدودی، به ساقه‌صدادت و بیکری هواد و تحت تأثیر واقعیات تئوری و پراتیک آن به مشی پرولتاریا فرارزیده است.

اما پذیرفته‌شدن نظریات جزئی بطور به معنای ریشه کن شدن تفکر چریک-ماو در سازمان نبود. چنانکه گفتیم، جزئی از اساسی مشی پرولتاریا را با مشی مائو مسکوت میکشادت. انقلاب پسین اندیشه سازمان فدائیان را از روشنگستی قطعی نی-طرد قطعی و اصولی انحرافات آنرا در جنبش به آینده واگذار کرد.

در طی یکی دوامالی که از تسلط جزئی بر سازمان گذشت، بود، فدائیان تأثیر واقعیات جنبش انقلابی، در برخی جز نظریات او نیز تجدیدنظر کرده و گام کوچک به پیش برداشته بودند. از اینرو انتظار بی‌مورد نبود که در شرایط فرا اندیشه و وفور منابع امیل تئوری انفا سهولت دست‌رسی به اسناد و مدارک خارجی چین و روابط وسیع بازرگانی با امپریالیسم و جمع‌بندی نوین نظریاتشان درباره اردو سوسیالیسم، درباری رهنمودی انقلابی کمونیستی جهانی در مورد دوران تباری چگونگی سیاست انترناسیونالیستی کمو در این دوران نیز پذیرفت‌های دست‌سبب تسامحه پس از مدتها انتظار آماند همیشه راه میانه، راه را برگزیدند. سلسله مقالاتی در «کار» تحت عنوان «در

سوسیال امپریالیسم» و «درباره روزیوویسم» آمده است و قاعدتاً باید بموان نظر ر فدائیان تلقی شود، در بهترین حالت جز نمیتوان توصیف کرد. در این مقالات و طهاره کوشیدماند در سرپندی با تن امپریالیسم و «تئوری سه جهان» و رد گامی به پیش برداشت، در مقایسه با نه حمید مومنی، که ذکر آنها رفت، در واقع این ماوتوسیسم بیشتر از «انقلاب فرهنگی» سوار باشند و ایسن «منطقی» آنها، در اح-اتیاماتی است که در دوره چه‌مایی ما،

۶- یژون جزئی - تاریخ س- ایران، جلد دوم، از محاکمه‌ای ۴ تا رستخیز: ساسکل

تأمین کاربو ای کارگو ان بیکار، یکه از نخستین وظایف دولت انقلاب است

# رولتری و انقلاب افغانستان

نسبت به جنبش کمونیستی جهانی عنوان میشد، روشن میشود که این کمونیست‌ها کابلا مستوی است. مگر نه اینکه تسلط بورژوازی بر اجزای کمونیست است؟ مگر نه اینکه بورژوازی سلفا باید تسلط بورژوازی امپریالیستی نیز داشته باشد؛ حتی با منطبق ارسطویی نیز میتوان دریافت که «روزیونیستی» قاعده تسلط باید و سوسیالیست امپریالیست نیز باشد؛ در این حال آیا جنبش «روزیونیستی» با دست پس راندن و با پیش کشیدن مائوئیسم است؟

تشیین آشکار و در عین حال به مقاومت سبانه و دست و پا زدن سذبوچانه و آداشته است. در این حال دیگر دفاع از نظریه سازش دو ایرقدرت، یا هر پوششی و لایب جدیدی خواسته یا ناخواسته بمنزله هم آوایی یا مرجع-ترین کارگزاران داخلی و خارجی امپریالیسم و آشکارا نظریه‌های ارتجاعی و ضدانقلابیست. از اینرو با توجه به رشد ثوریک فدائیان و نزدیک شدن آنان به نقطه نظرهای مارکسیستی در مقایسه با اوایل سالهای پنجاه میشدند. زد که این نوع باصطلاح مرزبندی با مائوئیسم که برشک-حاری جنبه‌های مترقی‌ای نیز بوده- واقع مانع ثوریک جدیدیست که-جریان «چریک-مائوئیست» پس از یک عقب‌نشینی آشکار، بر سر راه تکامل آندیشه عناصر واقع‌بین‌تر فدائیان و تمکین آنان به واقیقات، برپا کرده و خود پشت آن سنگر گرفته است.

این وجود روشن است که-جریان چریک-مائوئیستی ملی این عقب‌نشینی، در عین حال یکس از میسرین استحکامات خود را از دست داده است. پذیرش مائوئیسم امپریالیست اردوگاه سوسیالیسم - با آنکه به میادری روشن ثوریک و نه با مسکوت گذاردن قضایا بشیوه جزئی-ساکانات بیشتری برای همایی با جنبش کارگری جهانی در اختیار عناصر واقع‌بین‌تر فدائیان قرار میدهد. در جریان این همایی بدون شک اقتدار و اقتاب براتیک انقلابی، بسیاری از پیشداوریهای ذهنی را در هم خواهد شکست. از اینرو این امیدواری برپا نیست که موضع انقلابی کنونی فدائیان، استراتژی آنها در نیمه راه بیرستن واقع‌بین‌ترین آنان به اردوی جهانی انقلاب باشد. هم‌اینکه شواهد مثبتی بفع این امکان در دست است. گذشت کمتر از چهارماه گفنی بوده است تا نخستین نشانه‌های نارسائی از موضع نویسن فدائیان آشکار شود و ززمه‌هایی حاکی از اینکه: بدون درک اینکه انترناسیونالیسم پروتری واقعا وجود دارد... قادر نخواهیم بود در موضع-گیری سیاسی مشی درست اتخاذ کنیم (۸) از «کار» بگوش میرسد.

این اشارات دلیل بر آنست که بدون شک در میان فدائیان عناصر با حسن نیتی که از صمیم قلب خواهان آنند که در ثوریک جهانی عاين انقلاب و ارتجاع، سر بلزی از ارتش کین انقلابی باشند، قرار آند. با کمال تصف برسی سیاست انترناسیونالیستی نمایان در دوره جدید نشان میدهد که این حسن نیت، هنگامی که با جزئیات واقعیت در «همزیستی سلامت آمیز» پس میرد، در کشاکش تناقض مابین این جزئیات واقعیت روند عینی تکامل جنبش انقلابی جهانی، چه در عمل به رشد خویش تبدیل و پس در ارتجاع جهانی و از جمله جب، جهانی از هم پاشیده مائوئیسم تمام شود. نمونه‌های فراوانی از این استحاله عملی تاسف‌انگیز وجود دارد:

هنگامی که ثوریک‌های جنبش چریک‌های امپریالیسم فرانسه، زاین، و آمریکا گذارند و به ویتنام قمرمان یورش بردند، فدائیان که از سخن خود را بکنار گیرندگان تهر ویتنام در زمین ما می‌سازد، برآموش کردند، که حداقل در کنار به یاری خلق مهربان ویتنام بپشتانند. همین «فراموشی» به مائوئیست‌های هوادار آلبانی نیز دست داد نتیجه اینکه مسافانه در عمل فدائیان با دشمن خلق ویتنام در ایران در یک موضع قرار گرفتند.

کسانی که خود را پویندگان راه کوبا و ویتنام میدانند، دشمنان چه‌نمای اردوگاه سوسیالیسم، و ارجله این دو گردان از آن را «بخشی از جنبش دموکراتیک خلق» در ایران میدانند و با آنها در گردستان و در سرانسر ایران اتحاد آشکار دارند. چنین است دوستی با سوسیالیسم در گفتار و دشمنی با آن در کردار!

بررسی مواضع «انترناسیونالیستی» فدائیان در رابطه با انقلاب افغانستان نشان میدهد که دوستان ناآگاه جنبش انقلابی جهانی، آنکه هم که با حسن نیت تمام می‌خواهند با این جنبش همیاری کنند، بسبب درگیری با جزئیات مائوئیستی، چگونه در عمل با دشمنان آن همصدا میشوند. بیروزی قیام ثور در کشور برادر و همسایه ما افغانستان و فرار پویندن آن به یک انقلاب دموکراتیک و ملی واقعی، چشم‌اندازهای نوینی را پیشاوری جنبش آزادیبخش ملی در منطقه کشور، هنوز تا بیروزی کامل این انقلاب درازی باقیست، اما از هم‌اکنون با توجه به رشد و عظمت عسک‌العمل امپریالیسم و ارتجاع منطقه و کوشش برداشته آنها برای صدور ضدانقلاب و جلوگیری از موفقیت‌نهایی انقلابیون افغانستان، میتوان ابعاد تأثیرات مثبتی را که بیروزی کامل این انقلاب در گفتار و تکامل جنبش آزادی بخش ملی در این سوی جهان و از جمله در زمین ما خواهد داشت، ارزیابی کرد.

دشمنان این تجربه انقلاب افغانستان، در کنار تجربه‌های اروپایی، بنین و... بار دیگر مسترد نمودند و امپریالیسم مارکسیست-لنینیسم را در مورد اشکال مختلف تائین هم‌زویی برودار یا در انقلاب دموکراتیک و راه‌های گوناگون گذار به سوسیالیسم را به

اثبات رساند. بار دیگر نشان داده شد که نیرو-های انقلابی، در صورتیکه وظیفه اصلی انقلابی خود، تدارک انقلاب در همه سطوح و «محاصره» همه‌جانبه دشمن» (۱۰) را بدرستی عملی کنند، می-توانند در لحظه تاریخی مناسب با استفاده از برتری کیفی و سازمان یافتگی خویش و با استفاده از حداقل بیطرفی نیکخواهانه بخش از خلق بر دشمنی که از نظر کمی کمکت بر-آنان برتری داشته باشد، غلبه کنند. تجربه افغانستان نشان داد، که هم‌چنان ضدانقلاب میتواند برای سرکوب انقلاب دست به کودتا بزند، انقلاب نیز میتواند با یورش ناگهانی مائوئیست دولتی را صرف کند، آفرآ درهم بگوید، ستون فقرات ارتجاع را خرد کند و با دست‌زدن به اصلاحات بنیادی دموکراتیک آن بخش بی-طرف خلق را نیز سوی خود جلب و آنان را علیه مقاومت‌های پراکنده ارتجاع بسیج کند و یک انقلاب واقعی را تحقق بخشد. بدین ترتیب تجربه افغانستان ضربه دیگری بر دوگم مائوئیستی «بستک درازمدت توده‌ای» وارد آورد.

اما گذشته از اینها، انقلاب افغانستان از یک نقطه نظر دیگر و بسیار مهم‌تر نیز بار دیگر صحت نظریات جنبش کمونیستی جهانی را به اثبات رساند. انقلاب افغانستان جلوه‌گاه ژرفا و مائیت انترناسیونالیستی و انقلابی سیاست همزیستی سلامت آمیز نیز بود.

جنبش کمونیستی جهانی، هنگامیکه در کنفرانس بین‌المللی ۱۹۵۷ و سپس در ۱۹۶۱ سیاست همزیستی سلامت آمیز را به نایب‌ترین ابزار برای منفرد کردن محافظ جنگ طلب امپریالیستی و پایان دادن به جنگ سرد و ایجاد محیطی مساعد برای رشد و پیشرفت جنبش انقلابی جهانی پیشنهاد کرد. این واقیقت در اعلام واقیقت که همزیستی سلامت آمیز، که مسئولین و متوای اصلی سیاست خارجی کشور-های سوسیالیستی را تشکیل خواهد داد، هیچ منافاتی با دفاع و پشتیبانی انترناسیونالیست از نهضت‌های آزادیبخش ملی ندارد. این واقیقت در جریان انقلاب کوبا، ویتنام، آنکولا، اتیوپی، فلسطین و... بارها و بارها آزموده شد. امروز در جریان توطئه امپریالیستی علیه انقلاب افغانستان، هنگامی که دستاوردهای این انقلاب، پس از مدتها مقاومت در مقابل این توطئه، محاط خیانت پاران نیده‌راه و بیرستن آنان به جیبه ارتجاع، در معرض مخاطره جدی قرار میگردد، آزادیبخش پیگیری و استواری انترناسیونالیستی اردوگاه سوسیالیسم و در مرکز آن اتحاد شوروی، ایمل جدیدی پیدا میکنند. این بار اتحاد شوروی نشان میدهد که هنگامیکه پای دفاع از انقلاب پیش می‌آید، آماده است تا تمام ستاوردهای «تشیین‌زایی» را که بطاظر آن سالیان سال مبارزه کرده‌است، بمخاطره بیندازد. مانند همیشه جنبش کمونیستی جهانی، از ایسن آتش نیز سیار و شوار سر بلند بیرون می‌آید. رفیق بروژنی با متاتی فرور آیمز در محاصه با خیر-تکار برودا اعلام میکند:

## «چنانکه میدانید، حرف و عمل ما یکیست»

اما آیا حرف و عمل مدعیان دوآتشه‌اتر-ناسیونالیسم در زمین - چگونه است؟ کسانیکه با گستاخی برجسته‌ترین کمونیست‌های جهان را یکسره هنکار امپریالیسم میدانند، در برابر این تجلی آشکار حقیقت، که بیخ گوش آنان جریان دارد، چه پاسخی دارند؟

سه میدانند که در زمین ما، پیش و پس از بیروزی انقلاب، انقلابی که موسسگریش در قبال ضد انقلاب افغانستان که ادعای مسلمانی دارد، تأثیر بسبی بر سر نوشت هر دو انقلاب در هر دو کشور و در سراسر منطقه دارد، در میان نیرو-های وجهی، حزب توده ایران تنها نیرویی بوده است که با سرمختی و استواری و پیگیری از انقلابیون قمرمان افغانستان دفاع کرده است.

این دفاع انترناسیونالیستی در شرایطی صورت گرفته است که حزب ما نیاز فراوانی به تقاهم اصولی با مسلمانان انقلابی ایران، که برخی از آنان متاسفانه هنوز درگیر سوءتفاهم‌هایی در-مورد انقلاب افغانستان هستند، داشته و دارد. با اینکه دفاع اصولی ما از انقلاب افغانستان، حتی از نظر برخی از دوستان حزب، به «صلحت» حزب ما و «مصلحت» سیاست ما نبوده است، حزب توده ایران در تمام این مدت شجاعانه تمامی توان روشنگرانه خود را بکار گرفته‌است که به مسلمانان انقلابی راستین نشان دهد که انقلابیون افغانستان نه دشمنان، بلکه دوستان واقعی انقلاب ایران‌اند. در این مبارزه حزب ما، مانند دوران مبارزه با فاشیسم هیتلری و مانند دوران مبارزه با امپریالیسم آمریکا در سالهای ارجگویی نبیست ملی به رهبری دکتر مصدق، تنها تنها بود. در تمام این دوره از مبارزه، فدائیان نه تنها با و به انقلاب افغانستان ماری رساندند، نه تنها ماسکوت خوش‌مدان (برای) که امر را از گذاشتند، بلکه به اشکال مختلف، با تبلیغ فر مستقم تر «سازش در ارتقدرت» و نیز، ما حمله به حزب توده ایران، از جمله به اتهام «بوج «دولت‌داری»، عملا به نیروهای ضد-چه مدرک، انقلابیون افغانستان راه دستخ

انقلابی یاری رساندند. خوشبختانه در چند هفته اخیر بنظر می-آید که فدائیان به سر نوشت انقلاب افغانستان، و نیز سر نوشت انقلاب ایران علاقمند شده‌اند. شاید از این پس حزب ما در مبارزه برای پیوند این دو انقلاب تنها نباشد. اما متاسفانه فدائیان در نخستین گام‌های خود برای مبارزه در راه پیوند انقلاب ما و انقلاب افغانستان، سبب درگیری در جزئیات مائوئیستی، در عین کوشش برای کمک به این امر انقلابی به آن زیان نیز رسانده‌اند.

با بررسی سر مقاله کار شماره ۴۰، که در آن فدائیان برای نخستین بار درباره انقلاب افغانستان لب سخن گشوده‌اند، می‌توانیم با نظریات فدائیان در این باره از دو نقطه نظر-روبرو شویم: از نقطه نظر دفاع «انترناسیونالیستی» متناقض آنان از نیروهای شرقی در افغانستان و از نقطه نظر تأثیری که وقایع افغانستان قاعدتا می‌بایست بر جزئیات مائوئیستی آنان در مورد «سازش» اردوگاه سوسیالیسم با امپریالیسم داشته باشد.

در سر مقاله «کار»، خصلق افغانستان و سفارایی آنان در جبهه‌های انقلاب و ضدانقلاب این چنین توصیف میشود: توده‌های عقب‌مانده‌ای که «بخشی از آنان»، «بسیاری از آنان» و حتی همه آنان به منافع تاریخی خود آگاه نیستند، به نیروهای شرقی افغانستان اعتماد ندارند، نیروهای «انقلابی» نتوانسته‌اند خود را به آنان بشناسانند و از اینرو تحت تأثیر تبلیغات ارتجاع قرار گرفته و در جبهه فتوالبها قرار دارند.

عبارت و جملاتی که فدائیان برای توصیف سطح آگاهی و گرایش‌های سیاسی خلق افغانستان و واقیقات حیات سیاسی جامعه افغانستان بکار گرفته‌اند، بدون هیچ واسطه‌ای چنین تصویری را در ذهن خواننده ایجاد میکند: ابتدا سخن از مصعب‌ماندگی توده‌ها بیان می‌آید، سپس «بخشی از دهقانان ناآگاه» تحت تأثیر تبلیغات ارتجاع، قرار میگردد و چندسطر پایین‌تر سخن از «توده مردمی که به منافع تاریخی خود آگاه نیستند» بیان می‌آید. فدائیان خلق افغانستان را اگرچه پوشیده و دربروده، اما هم‌چنان که امپریالیسم و ارتجاع میخواهند به انواع حیل در تبلیغ آن می‌کوشند، به خلق ایران معرفی میکنند: توده مردمی که با حکومت موجود موافق نیستند.

در نادرستی این مقدمه هیچ مبارز بیطرف نمیتوان تردید کند. بنظر ما هر نقلابی راستینی وظیفه دارد که در اینگونه موارد، بیخای آنکه تبلیغات امپریالیسم و ارتجاع را بنای تحلیل قرار دهد، به ارزیابی نیروهای جبهه انقلاب در افغانستان و در سراسر جهان اعتماد کند. این ارزیابی نشان میدهد که صفوف ضدانقلاب در افغانستان بطور عمده از فتوالبها و سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم، مائوئیست و سزودوران امپریالیسم و مائوئیسم، قاجاقچی‌ها و راهزنان قبايل عقب‌مانده روزنشین و ضمنا برخی از شمشین فریب‌خورده مذهبی تشکیل شده است و تنها با دخالت مستقیم «حافل امپریالیستی و ارتجاعی» امکان فعالیت مسلحانه در نوار مرزی با پاکستان را دارد. مردم افغانستان دشمن انقلاب خود نیستند.

فدائیان در بررسی علل پخران فعلی انقلاب افغانستان نیز به تائیه «درخشان» دست یافته‌اند. بنظر آنان:

مهم اتکای اجزای چه به توده‌های وسیع دهقانان زحمتکش و عدم بسیج آنان علیه فتوالبها و امید آن اجزای به کسب و تمکیم قدرت از طریق کودتا از یک سو و دخالت‌ها و دستبده‌های امپریالیسم آمریکا و خوانین و سران ارتجاع عشایر از سوی دیگر باعث شده است که انقلابیون افغانستان در سرکوب ضدانقلاب‌ناوتوان شوند.

شاهد میشود که در این نتیجه - گیری نیز امپریالیسم و ارتجاع، حداقل از یکی از دو سو، از زیر ضربه خارج شده است و در عوض حکومت انقلابی افغانستان زیر ضربه ایرادهای بنی‌اسرائیلی و مائوئیستی فدائیان قرار گرفته است. جنبه‌های مختلف این ایرادهای آیدوب-لوژیك، که متاسفانه در این مورد آشکارا به نفع امپریالیسم و ارتجاع تمام شده است، در جملاتی دیگر روشن میشود:

«حزب پرچم در طول حیات سیاسی خود بیش از آنکه به نفوذ در توده‌های دهقان افغان اندیشیده باشد، به نفوذ در ماشین حکومتی و تسخیر قدرت از طریق کودتا می‌اندیشیده است. «ما آن سیاستی را که به جای اتکا به توده‌ها، به جای کوشش و فداکاری در جهت تشکیل و آگاهی توده‌ها، به تسخیر ماشین نظامی دولتی می‌انديشید، سیاست طقه کارگر نمی-شماسیم».

در این تحلیل یکی در اشتهاه ظاهر ادلی، در کنار یک گمراهی عمیق ثوریک چشمگیر است. فدائیان در طول مقاله جابجا و بتناوب از «حزب پرچم» و «حزب خلق» انتقاد میکنند. آنان با سهل‌انگاری و بی‌اعتنایی با حزب واحد دموکراتیک خلق افغانستان مابین اساسی یادمی-کنند. گذشته از این معلوم نیست به استناد چه مدرک، انقلابیون افغانستان راه دستخ

ماشین نظامی دولتی، و نه درهم کوبیدن آن به شیوه مارکسیست-لنینیست‌ها، بتمم میکنند؛ اما این نخره‌اشتیاقات به اندازه آن گمراهی عمیق ثوریک، که چنانکه گفتیم در این مورد خاص «از یکسو» و به گمان ما در هر مورد مشابهی حداقل از یکسو راه گریز را برای امپریالیسم و ارتجاع باز میکند، مهم نیستند. فدائیان ظاهرا در کنار مائوئیست‌های وطنی و بین‌المللی به دستخیز قدرت از طریق کودتا «اعتراض ندارند. آنان نیز مانند مائوئیست‌ها میخواهند به ضد انقلاب اجازه کودتای ضدانقلابی را بدهند. اما فقرات دشمن محروم کنند.

مارکسیست-لنینیسم مساله «راه انقلاب» را از ابتدا بدرستی طرح و حل کرده است. جنبش کمونیستی و کارگری جهانی در سالهای اخیر بارها و بارها این راه‌حل‌ها را شکافته و بر شرایط مختلف مبارزه تطبیق داده است. حتی اگر بدلائل باصطلاح ضد روزیونیستی-نحوایم نظریه علمی «راه‌های گوناگون گذار» به سوسیالیسم را بپذیریم، تنها با اتکاء به انقلابی مارکسیسم و با توجه به بنیانات روزمره در سطح جهانی میتوان مساله امکان بکار بردن شیوه تصرف قدرت بر راه غربت قاطع نظامی را درک کرد و آن را «همچون شیوه‌های دیگر مبارزه انقلابی بکار گرفت. تنها با توجه به این واقیقت که ضد انقلاب بکرات با استفاده از ماشین سرکوبگر نظامی انقلاب را که از پشتیبانی بسیار وسیع توده‌ای برخوردار بوده‌اند، در دریای خون‌خوَر کرده است میتوان پذیرفت که انقلابیون نیز نه تنها حق دارند، بلکه وظیفه دارند این ابزار اصلی برتری حریف را از هر راه ممکن درهم شکنند و راه را برای گسترش ابتکار انقلابی توده‌ها باز کنند.

آنچه در این میان اهمیت حیاتی دارد اینست که، ماشین قدرت دشمن صاف و ساده‌تسخیر نمیشود، بلکه درهم شکست و بر مبنای انقلابی بازسازی و بدل به وسیله‌ای برای سرکوب ضد انقلاب، اجرای تحولات بنیادی بسود زحمتکش و بسیج نیروهای آنان در این راستا میشود. بیخای شناسایی این شکل روند تکامل جنبش انقلابی جهانی، تنها باید چشمانی بیبا داشت که برخلاف چشمان مائوئیست، بتواند واقیقات زندگی را زیر تابش تندآفتاب ببیند.

هرگونه رد ثوریک این حقیقت، که ارتش در دستان پروتاریا و دیگر نیروهای انقلابی، میتواند وسیله‌ای برای عملی کردن انقلاب باشد، باید مارکسیست‌ها را بیاد استدلال کائوتسکی و شرایط پیشینده قیام اکبر را بعلت استفاده از نیروهای نظامی، نوعی کودتا و لنین را بلانکیست میدانستند! در این مورد نیز مابین نظریات روزنیسم «چه» و راست خوبانوندی‌های نزدیک طبقاتی وجود دارد.

بدون شک هر انقلابی با دشواری‌های فراوان روبرو است. (انقلاب ایران را در نظر آوریم). حتی ممکنست انقلاب شکست بخورد، بویژه اگر همچون مورد تجربه افغانستان توطئه همه‌جانبه امپریالیسم و مائوئیسم، عقب ماندگی مناسبات تولیدی و حیثیت رفقی نیم راه انقلاب نیز مطرح باشد. اما بصرف وجود این دشواریها و امکان شکست، نمیتوان جنبش انقلابی را در مبارزه برای بیروزی، از راهی که در بسیاری موارد عملی و بی‌مورد نیست، بر حذر داشت. و از امید نادرستی، و انقلابیون را بعلت وجود این دشواریها بیاد ملامت گرفتو در عروس حقیقت توطئه امپریالیسم را بعنوان عامل اصلی وضع بحرانی انقلاب افغانستان، حداقل از موضع استوار کرد.

در ادامه این تحلیل، فدائیان به انقلابیون افغانستان، محل سرکجه آوری پیشنهاد میکنند: «استقاد داریم که اجزای ترقیخواه افغانستان باید به توده‌های بیندیشند و نیروی لایزال تاریخ را در توده‌های میلیونی محروم افغانستان جستجو کنند».

منظور چیست؟ آیا انقلابیون افغانستان باید جیبه جنگ با امپریالیسم را ترک کنند و در کجی عرلت به «اندیشه» درباره انقلاب توده‌ای بپردازند؟ باید قدرت دولتی را بطاظر اینکه از راه دیگری غیر از راه «جنگ توده‌ای» بدست آمده به دشمن واگذارند و خود به کوه‌ها بنام ببرند؛ لاد انقلابیون اتیوپی، کسکوی دموکراتیک، بنین... و حتی لیبی نیز باید همین خطمی را در پیش بگیرند تا شایسته پشتیبانی انترناسیونالیستی فدائیان باشند! آیا این راه حل طهار انقلابی مبتنی بر آزادی امپریالیسم و ارتجاع نیست؟ در زمانی که سر نوشت انقلاب در این سوی جهان و سر نوشت رویارویی امپریالیسم و سوسیالیسم مطرح است، فدائیان اگر خود را انقلابی می‌دانند باید جدی و مسئول‌بندیشند باید اندکی به تائیه عملی اینگونه اظهارنظردهی نظار انقلابی بیندیشند!

میں است باصطلاح پشتیبانی انترناسیونالیستی فدائیان از «انقلاب افغانستان» بدون شک فدائیان واقعا به نیت پشتیبانی از انقلاب افغانستان به میدان آمده‌اند. باید ابرزش این حسن نیت رانشناخت و آنرا ستایش کرد. اما چگونه است که فدائیان با وجود اینکه خود میدانند که: «امپریالیسم آمریکا و طبقات غربی می‌کوشند با تحریف حقیق انقلاب افغانستان، ساززات ضد امپریالیستی و دمکراتیک مبین ما را کند کنند...» (۱۱) خود در این تحریف اگرچه از چه، شریک شده‌اند.

بدون شک کوشش برای دفاع از جزئیات بقیه در صفحه ۶

آنچه در این سلسله مقالات جالب و روشنگر-آورد است اینست که پژوهشگران و ثوروسین-های فدائیان، ملی تحلیل نظریات باصطلاح روزیونیستی جنبش کمونیستی جهانی، کوچک-ترین اشاره‌ای به اصل اسناد و مدارک مصوبه جنبش کمونیستی جهانی نکرده‌اند. «مخاطبه» جنبش کمونیستی جهانی در «دادگاه» آنان، غیابا و تنها به اسناد نقل‌قول‌های غیر مستقیم مائوئیست-نجام گرفته است. طبیعتا این سؤال پیش می-آید که نویسندگان چه اساسی از بررسی‌اصل بین‌اسناد داشته‌اند؟ کمونیست‌ها مرکز انگریستن ز چشمان حقیقت نمیرسنند، زیرا حقیقت بیشتر ز همه بفع آهناست. تنب کسانی از رویارویی مستقیم با واقیقت واقه دارند که آنرا بپرویل نفع خود نمیدانند.

در سوی دیگر فدائیان در رد سوسیالیسم-امپریالیسم، با اختیار و وسواس غریبی از شاهده‌های مائوود ارائه‌ای این نظریه‌خیانت‌بار وارد آوردن حشده‌ای به ساخت مقدس، او جیز میکنند. کسانیکه با گستاخی جنبش کمونیستی جهانی را یکسره به «روزیونیسم» و قیامت منب میکنند، حتی از بزبان آوردن لمه خیانت درباره مائو می‌ترسند! پراستی چه شراک منافعی با این سرمدار بزرگترین خیانت جنبش کارگری و کمونیست جهان، موجب ن واقه هاست؟

فدائیان با پیگیری و مراعاتی راسورانه و مائوئیست-سیدانه می‌کوشند و چون مدعی اسرافری پیام مائوئیسم - که ترق سوسیالیسم امپریالیسم یکی از ونه‌های اساسی آنست - را انکار کنند. بر کار چه نامی جر مشابه کری مائوئیسم برای ظ میرات شوم این مکتب محضتر و باز کردن یور برای آن در جنبش انقلابی مبین ما - ن گداشت: از آنج که تنها با چنین-سنسور نریمی میتوان در عین مرزبندی با «مطسوسه» ن رشوه نیز داد و سپس با اعلام اینکه «داران «کمرانس وحدت» بخشی از «جنبش کراتیک خلق» هستند، از هم‌وشی این نیروهای املائی بهره گرفت، چنین بنظر می‌آید که املی‌گری ثوریک فدائیان، اینتر نیز در کدایسم سنتی آنان ریشه‌های استواری دارد. در مجموع مقالات «درباره... روزیونیسم» ارم مشی انترناسیونالیستی جنبش کمونیستی ای آمده است که:

«روزیونیست‌ها ایک ریر شمار همزیستی سلامت آمیز لنین، به نفع انقلاب، به تبلیغ ارسال سلامت آمیز و سازش بلطایق‌پیرانده‌اند.» (۱۲)

و نیز: «سیاستی که روزیونیست‌ها در پیش نه‌اند، در جهت همکاری و سازش طبینی و رضایت امپریالیست‌ها دور میزند.» (۱۳) این نظریات که ظاهرا با اندک تغییری در بیست و پنج ماده‌ای اقتباس شده‌اند، همان به مائوئیسم پیش از «انقلاب فرهنگی» همان به سازش نو ایرقدرت» و نیز همان نظریه نین فدائیان است. اما یک تفاوت بسیار مهم، بیان یک نظر واحد در دو دوره متفاوت تطور نه فدائیان وجود دارد.

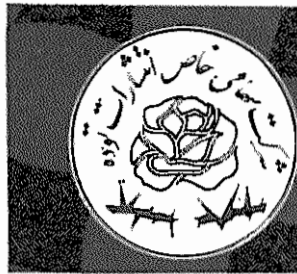
نظریات احمدزاده و ملر و دارانش در پایان ای دهه شصت و ده رسمی عنوان میشدند تا ببع روحشان سیاست همزیستی سلامت-در تدارک گسترش و شکوفایی جنبش انقلابی و محور شکل سریع و غیر قابل انکار من نشده بود. این نظر امروز در شرایطی با اعلام میشود که پیش از یک توجین از سوی های آزادیبخش ملی در گوشه و کنار جهان نشینی اردوگاه سوسیالیستی به بیروزی یافته‌اند. جنبش کارگری در کشورهای یاداری پیشرویی-همی قابل توجه داشته و قدرت و اعتبار کشورهای سوسیالیستی بی چشمگیری پیدا کرده است. نظریه-ستی سازش در نظام در سالهای کمسیاست سنی سلامت آمیز محور در آثار یورش جنبش «امپریالیسم» در مواضع متراول لیسیم... سخن بود بسیاری از مباردان، را که افق دید وسیعی نداشتند، فریب و از اینرو پذیرش این نظریه از سوی ن هوادار احمدزاده هنوز می‌توانست منبانه ناهمی مسمومانه ارزیابی شود. اما این در دوره جدید، با این زمست‌دانشمندها همگرا نه زمانی بهم یافته میشوند که نه همزیستی سلامت آمیز در مرحله محوم ن جنبش انقلابی، امپریالیسم را به عقب-بازگرداند.

۷ - کار: سال اول شماره ۴۷ تاریخچه و منشأ روزیونیسم در جنبش کمونیستی، قسمت چهارم

۸ - کار: شماره ۴۹

## برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

# انتشارات حزب توده ایران در سال ۱۳۵۸



- ۱- حزب توده ایران از خط امام پشتیبانی می کند. (چاپ اول - چاپ دوم)
- ۲- حزب توده ایران و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۳- گفتاری درباره امپریالیسم
- ۴- پرسش و پاسخ - بخش اول (چاپ اول - چاپ دوم)
- ۵- پرسش و پاسخ - بخش دوم (چاپ اول - چاپ دوم)
- ۶- پرسش و پاسخ - بخش سوم
- ۷- سی و هشت سال مبارزه پیگیر در راه استقلال ملی، آزادی و حقوق زحمتکش
- ۸- برخی پرسشها درباره جهان بینی ما و جنبشهای اجتماعی در ایران
- ۹- شمه ای درباره شناخت ایران و جهان
- ۱۰- برخی مسائل حاد انقلاب ایران
- ۱۱- بنیاد آموزش انقلابی (درنامه - متن جدید تصحیح شده)
- ۱۲- مارکس - انگلس - لنین، درباره انقلاب اجتماعی
- ۱۳- لنین درباره فردیسم انگلس
- ۱۴- زمین کوچک (مالایا زملیا)
- ۱۵- گفتگویی با چریکهای فدائی خلق
- ۱۶- صفحاتی از جنبش جهانی کارگری
- ۱۷- مائوئیسم و بازتاب آن در ایران
- ۱۸- افسانه پلاهای ایران
- ۱۹- اقتصاد سیاسی
- ۲۰- ماتریالیسم دیالکتیک (کتاب اول)
- ۲۱- ماتریالیسم تاریخی (کتاب دوم)
- ۲۲- تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی، دوره کامل (در دو جلد)
- ۲۳- ما هرگز به اصول انترناسیونالیسم خیانت نخواهیم کرد (چاپ اول - چاپ دوم)
- ۲۴- تاریخ توسعه طلبی آمریکا در ایران
- ۲۵- برای متوقف ساختن ترور و سرکوب در عراق
- ۲۶- در عراق چه میگذرد؟ (گزارش پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق)
- ۲۷- مارکس - انگلس - لنین، در زندگی خصوصی
- ۲۸- لنین درباره نقش زن در اجتماع
- ۲۹- گفتاری چند از بزرگان درباره زن
- ۳۰- داورهای بیجا و ناپجا
- ۳۱- چهره های درخشان
- ۳۲- دنیا شماره اول (سال ۱۳۵۸)
- ۳۳- دنیا شماره دوم (سال ۱۳۵۸)

## از اعلامیه دانشجویان دانشگاه دهخدا: چرا باید در روزنامه بامداد بعد از افشاکاری باز هم به کارش ادامه دهد؟

حداقل تصور ما این است که این سرمداران سیاست بکام منحرف از خط امام عمل کرده و می کنند و این خط مغایر رسالت انقلاب ماست. امام در روزهای اول تسخیر جاسوسخانه با فریاد «امریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند»، فرزندانش را در این لانه جاسوسی روح استقامت و استواری می بخشید. امت مسلمانان آن است که ما نشان دهیم فقط و فقط خط امام را که در عملکرد دانشجویان مسلمان پیرو خط امام متبلور است می شناسیم و هر خط و نمط دیگری برای ما مردود است. بایستی هم اکنون نشان دهیم که چگونه پیش رفتن در راهش او را یاری میدهم و نعمتهای خود را سیاسی می گذاریم و بدین منظور فقط و فقط برای باقی ماندن خط امام پشتیبانی قاطع خود را از دانشجویان خط امام اعلام میداریم.

ای ملت مسلمان آگاه باشید و به گذشته خود رجوع کنید که چگونه به فرمان امام سئولین امر را مجبور به توقیف آیدنگان کردید، این خط باید بماند و این شما هستید که با رهنمود گرفتن از امام بایستی اشتباهات مسئولین امر را تصحیح کنید. چرا بایستی با کمال برشمی روزنامه بامداد بعد از افشاکاری اسناد باز هم به کارش ادامه دهد و چرا بایستی مسئولان امر نسبت به اعمال و حرفهایشان احساس مسئولیت نکنند؟ چرا بایستی عده ای اسناد جاسوسخانه را جعلی بدانند، تا برای مردم ما این توهم پیش آید که نکند این اسناد جعلی هستند؟ ما بایستی با تمام قوا از دانشجویان بخواهیم که به افشاکاری های خود ادامه دهند تا تمام توطئه های دشمن و تمام خطوط انحرافی شناخته شوند. البته اگر انتقادی به طرز افشاکاری ها هست باید آن را بصورت منطقی مطرح کرد نه به این صورت که آنها را کوباند و اصلا برای حرفشان ارزشی قائل نشد.

## در مطبوعات کشور

از قطعنامه کارگران شرق تهران:

### همه سرمایه های وابسته ملی شود

همه سرمایه های وابسته ملی شود - از رشد سرمایه آور بیکاری جلوگیری شود - حداقل دستمزد با توجه به افزایش قیمت ها ترمیم شود - شوراها برسمیت شناخته شوند مسکن مناسب با برنامه ریزی های دقیق در اختیار کارگران قرار گیرد خدمات پزشکی و درمانگاهها و بیمارستان های مناسب در اختیار مردم قرار گیرد. آنها همچنین اعلام کردند که خواستار ادامه افشاکاری از جانب دانشجویان پیرو خط امام هستند.

(جمهوری اسلامی، ۳۰ بهمن)

## برای اینکه دوباره دمیریم!

دو به نام خط امام رانی تواند بپذیرد، چرا که اگر همین خط بعنوان «الگو» بماند، امپریالیسم دیگر نخواهد توانست با دوستان مشوره کند! بنابراین اکنون سعی می کند این خط را درهم بشکند نه خود دانشجویان را، با آنهم توسط مذهبیهون «است»؛ این باید یک حقیقت را بیاد داشته باشیم و آن اینست که طبیعتا هر جریانی در آغاز شکل گیری خود با مشکلاتی از قبیل بی تجربگی، نداشتن استراتژی لازم که درخور واقعیت های عینی جامعه باشد، مواجه است، اما در حرکت تکاملی خود با گذر از فراز و نشیب های پربخ و رخم تجربه آموخته و در عین حرکت سریع به اصلاح استمرار برخی از اصول روبنایی خود در برخورد با ضرورت های عینی جامعه می پردازد و تاریخ ده گذشته جریانهای انقلابی در ایران تأیید نمایی فوق است. اما این بدین معنا نیست که چون یک جریانی دچار اشتباه شد، آنرا با چوب و تکیه از بیخ و بن برکنیم. همه گروهها باید این واقعیت را بپذیرند، که در لحظاتی که انقلاب مایرقت از مسیر خود منحرف شود، که البته تا حدود زیادی هم منحرف شده بوده همین دانشجویان بودند، که با استفاده از خط سازش ناپذیر امام نقشه امپریالیسم را برهم ریختند.

مبارت دیگر انقلابیکه در شرف مریک بود، توسط این جریان زنده شد. و اکنون انقلاب ما دوباره زنده شده، لذا برای جلوگیری از مردن دوباره انقلاب همه نیروهای انقلابی باید به حمایت از این خط برخیزند و نگذارند این خط به خط شود، و مبارت دیگر برای اینکه دوباره نمریم لازم است همه اکنون به حمایت از جریانی که میتواند مارا و انقلاب ما را از مرگ بدور کند برخیزیم. همین اکنون نه لحظات دیگر! (کیهان، اول اسفند)

### تقسیم املاک فتودالها مساوی است با خلع سلاح ضد انقلاب

ضد انقلاب خواهد بود. مسلما فتودالها این زمینها را با عرق جبین و کار شرافتمندانه بدست نیاورده اند، زیرا یک نفر به تنهایی قادر نیست بروزی ۳ هزار هکتار زمین کار کند و ناچار احتیاج به اجیر کردن عده ای دارد و این آغاز استثمار انسان از انسان است. (جمهوری اسلامی، اول اسفند)

### اطلاعیه سندیکای برنامه سازان تلویزیون سازشکاران علیه افشاکاری دانشجویان توطئه میکنند

درباره افراد و گروه هایی که در رابطه با امپریالیسم آمریکا بودند. باعث تداوم ویران کردن مبارزات مردم دلیز ایران علیه آمریکا گردیده است. در مقابل این حرکت انقلابی، سازشکاران و لیبرالها که در اثر افشاکاری، ماهیستان، ظاهرا، بخاطر خشم توده ها، بطور موقت، منزوی شده بودند، در خفا به توطئه چینی مشغول شده و هم اکنون تهاجم همه جانبه ای را علیه این حرکت انقلابی آغاز کرده اند که بازگشتن نمودش را در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در رابطه با جلوگیری از ادامه پخش افشاکاری ها مشاهده می کنیم. (اطلاعات، ۲ اسفند)

## کتابهای زیر چاپ

- ۵۱- مانیفست حزب کمونیست مارکس، انگلس
- ۵۲- دولت و انقلاب
- ۵۳- کارل مارکس (زندگینامه کوتاه با شرح مارکسیسم)
- لنین
- ۵۴- چه باید کرد؟
- ۵۵- بسیاری کودکی «چپ روی» در کمونیسم
- لنین
- ۵۶- چریکهای فدائی خلق چه میگویند؟ (با مقدمه جدید)
- ۵۷- زندگی دوباره
- ۵۸- زمین بگر
- ۵۹- اسناد و اعلامیه های حزب توده ایران از استان انقلاب ایران
- ۶۰- طرحهای پیشنهادی حزب توده ایران درباره دگرگونی و نوسازی جوانب گوناگون جامعه ایران
- ۶۱- واژه نامه سیاسی
- ۶۲- شرقا (زمان ادبی - ترجمه شهید خسرو روزبه)
- ۶۳- سومیوک، دختر هیروشیما (زمان ادبی - ترجمه شهید خسرو روزبه)
- ۶۴- لنین: زندگینامه کوتاه

## چریکهای فدائی خلق، انترناسیونالیسم پرولتری انقلاب افغانستان

انگیزه های، سیاست همزیستی سلامت آمیز و تسخیر زدایی را تخطئه نمیکردند و با آن سر ستیز داشته اند، در واقع بنفع جنگ طلب ترین محافل امپریالیستی عمل میکردند. کمترین کفاره این گناه باید این باشد که صادق ترین این کسان هر چه زودتر از خود انتقاد و در پیشداوریهای خود تجدید نظر کنند. اما فدائیان ظاهرا ترجیح میدهند که چشم بر این واقعیت نیز فریبند و نمونه «رحمان» دیگری از لجاجت کودکان در پافتاری بر تسوهای خویش بدست دهند. فدائیان از این مارش عظیم فداکاری انترناسیونالیستی که بیخ گوش ماجریان دارد، تنها این نکته را برداشت کرده اند که:

### اهمه این شانه ها، پشتیبانی نهایی فدائیان از انقلاب افغانستان، گام مثبت و بزرگ ارزشی در راستای نزدیک شدن به انترناسیونالیسم پیگیر پرولتری محسوب میشود. بیوستن فدائیان به جسبه مسارزه برای پیوند سر نوشت انقلاب افغانستان با آینده انقلاب ایران، این جبهه را از وزن و اهمیت بیشتری در حیات سیاسی جامعه انقلابی ما برخوردار کرده است. بیستک آشکار شدن هر چه بیشتر حقایق انقلاب افغانستان، بسیاری از تردیدها و تناقض گویی های نخستین را، که به دشمن یاری فراوان میسراند، هر چه بیشتر از میان بر خواهد داشت. بویژه که این حرکت فدائیان، در جریان سنگینی گرفتن روز افزون کفه هواداری از انترناسیونالیسم پرولتری در مقابل ناسیونال کمونیسم آمیخته به جزمیات مائوئیستی آغاز شده است. ما شادمانی خود را از این امر پنهان نمی کنیم. دوستان، دیر آمدید، هنوز هم تردید دارید!

اما به جبهه نبرد انترناسیونالیستی خوش آمد!

حیات ستیم اتحاد شوروی از دولت جدید افغانستان واقعیتی متخاص را در خود دارد.

این واقعیت از یک سو بیانگر آنست که اتحاد شوروی در برابر سبب فتودالها و نیرو های ارتجاعی منطقه به دفاع از حکومتی برخاسته است که در جهت منافع توده مردمی عمل نمیکند که به منافع قریبی خود آگاه نیستند و از سوی دیگر...

واقعیت اینگونه در برخورد با جزئیات مائوئیستی اعوجاج می یابد و به ضد خود تبدیل میشود. فدائیان از کمک اتحاد شوروی به دولت انقلابی افغانستان، که برای هر کمونیست راستینی یاد آور پشتیبانی پر شور انترناسیونال اول از کمونتهای قهرمان پاریس، و یاد آور پشتیبانی پرافتخار کمونیست های سراسر جهان از بزمندگان استالینگراد و یاد آور خاطره پسر افتخار قهرمانان گردان انترناسیونالیستی در جنگ اسپانیاست، که سرود انترناسیونال بر لب و جان برکف در دریای خونی که فاشیست ها برپا کرده بودند، غرق میشدند، تنها همین نکته را برداشت کرده اند. برخورد اینچنینی فدائیان با حلقی پرافتخار انترناسیونالیستی پرولتری در افغانستان واقعیتی متناقض را در خود دارد. این واقعیت از یک سو بیانگر آنست که خط مشی چریک - مائوئیستی در برابر فشار عناصر واقع بین تر به ظاهر عقب نشسته، اما در باطن مواضع

بقیه از صفحه ۵

مائوئیستی آنان را به این دام افکنده است. بدون شك تناقضات شنی «چریک مائوئیستی» آنان را به این ورطه هولناک کشانده است. هر مبارز صدیقی و طیفه دارد ریشه های عمیق این فاجعه را در اعماق تئوری انقلابی فدائیان جستجو کند. و طیفه دارد به پویندگان صادق راه انترناسیونالیسم پرولتری نشان دهد که هنگامیکه زنده های پای در زنجیر جزئیات مائوئیستی به میدان مبارزه انترناسیونالیستی قدم میگذارد، چگونه در حین ستیز با دشمن به او یاری میسراند. فدائیان بوضوح، برای اثبات پیشداوریهای تئوریک خویش، دست به تحریف حقایق افغانستان زده اند، و با حسن نیت تمام با امپریالیسم و ارتجاع هم آوایی کرده اند، یکبار دیگر حسن نیت راه چینه را سنگترتی کرده است.

مانکه گفته شد، انقلاب افغانستان از روایه از برای عملی ماهیت سیاست همزیستی سلامت آمیز نیز بویژه برای کسانی که هنوز در این مورد دچار پیشداوری و توهومات مائوئیستی هستند، میتواند و باید بسیار آموزنده باشد. انقلاب افغانستان، همانیکه تبدیل به نقطه عطفی در مناسبات سیاسی مابین سوسیالیسم و امپریالیسم شده است. امپریالیستها و شرکای مائوئیستان، که دست خونیان لودشان در افغانستان زیر سلطه رفته است، ضجه های گوشخراش سر داده اند و با دست و پا زدن سذبوخانه میکوشند همه دستاورد های سیاست جنگ زدایی را از بین ببرند و جهان را به دوره جنگ سرد بازگردانند، تا مگر از تکرار و قیامی همچون انقلاب افغانستان جلوگیری کنند. این امر به این معناست که کاستن ارتدحت سیاسی و نظامی تضاد اصلی دوران ما، بهترین شرایط را برای رشد و پیشرفت جنبش انقلابی فراهم نمیکرد است. اگر چنین بود، امپریالیسم چه نیازی به تقسیم نتایج سیاسی درویدهای افغانستان به سراسر جهان داشت؟ در این حال نمیتوان شك کرد که کسانی که در طول سالیان گذشته، با هر

# لیست ساوا که هارا منتشر کنند!

# افشاگری دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

## افشاگریهای اخیر دانشجویان مسلمان پیرو خط امام بانگ ناقوسی هشداری میدهد

اسنادی که روز چهارشنبه ۲ اسفند ماه توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، مستقر در لانه جاسوسی آمریکا افشاء گردید و در روزنامهها، از جمله «مردم» امروز انتشار یافته است بخوبی بارز نشان میدهد که طیف توطئه گریهای آمریکا بر ضد انقلاب ایران بسیار وسیع و همه جانبه است.

این اسناد اثبات میکند که در طرح هر نقشه و انجام عملی که در ایران و در خارج ایران بر ضد انقلاب ایران و برای شکست آن انجام گرفته و میگیرد، انگشت جنایتکار دولت امریکادار بوده و هست. توطئه های خونین در توطئه دریاه، در آذربایجان، طرح نقشه کودتا و استفاده از نیرو برای اجرای آن، ترور شخصیت های روحانی بوسیله گروه تروریست فرغان، قتل پاسداران، تقسیم پول برای اجرای توطئه، تقسیم اسلحه داخل، خرید اسلحه از خارج، وارد کردن آنها به ایران و... خلاصه توطئه ای نیست که در آن دولت امریکا دست نداشته است و دست نداشته باشد. نهائندی، «طلبه» گرداننده گروهی از فرغان، فریدون افشار، بیرون شریفی، نیکساز باز نشسته «تاجر»، سروان خلیبان نخست وزیر و دیگر ضدانقلابیهای معلوم الحالی نظیر پایزبان، اویسی، مصلح، ختیار و غیره، همه، هر کس که در توطئه ضد انقلابی دست داشته و دارنده «داوطلب» تهیه طرح و اجرای عمل ضد انقلابی، بسا نمایندگان دولت آمریکا و جاسوسان حرفه ای «سپا» در ارتباط بوده و هست.

نتیجه اینکه، امریکاییها با همکاری دولت و جاسوسی که در اختیار دارد، دشمن غدار، سرسخت و آتش ناپذیر انقلاب ایران است و به وسیله ای، به تمام وسائل و طرق ممکن و ناممکن، از تهدید به تهاجم نظامی و محاصره اقتصادی گرفته تا انواع توطئه گریهای در لانه توطئه و میکوشد و خواهد کوشید انقلاب ایران را به شکست بکشاند.

اسناد افشاء شده از جانب دانشجویان مسلمان پیرو خط امام یکبار دیگر این حقیقت را آشکار و اثبات میرساند که دشمن اصلی انقلاب ایران امریکاییست.

بنابر این ضرورت حفظ دوام انقلاب ایران حکم میکند که تمام نیروهای مادی و معنوی خلق قهرمان ایران بر علیه این دشمن اصلی بسیج و بیدار رود، هر سخن و هر عملی که بخوبی از انحاء به تمرکز نیروی خلق بر ضد امریکاییسم و امریکائیت باشد، چه دانسته باشد، امریکاییسم دشمنش امریکا است، بنابراین بطور عینی سخن و عمل ضد انقلابی است. تفرقه افکنی بهر شکلی از اشکال در بین نیروهای انقلابی که میتواند و باید در جبهه متحد خلق بر ضد امریکاییسم، برای ریشه کن کردن پایگاههای اقتصادی سیاسی، اجتماعی و نظامی و فرهنگی آن و پیشبرد انقلاب باینکندیک متحد گردند، بهر بهانه و زیر هر نام و شماری انجام گیرد، بطور عینی عملی است ضد انقلابی. تراشیدن دشمن خیالی دیگری برای انقلاب ایران، منحرف کردن افکار عمومی از قلب اصلی مبارزه که امریکاییسم امریکاست، ایجاد سردرگمی از طریق تبلیغات ضد و نقیص در افکار مردم، بطور عینی عملی است ضد انقلابی. مبارزه

## امپریالیسم آمریکا توسط عمال خود چون نهائندی در ایران تدارک کودتای میند

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در این باره اسناد زیر را افشا کردند:

۲۸ ژوئیه هوشنگ نهائندی وزیر اسبق عمران و خانه سازی اطلاع داد که مرده نسبت به رژیم فعلی ناراحت شده و ممکن است بدتر از اینها هم بشود. او به کردها اشاره کرد و گفت یکی از قوی ترین نیروها در کشور میباشد و ارتش دولت مرکزی در حال از هم پاشیدگی است. او پیش بینی میکرد که یک کودتا توسط بعضی از تیسارهای ارتشی با پشتیبانی کردها بعد از ۱۶ الی ۸ هفته بوقوع خواهد پیوست. نهائندی پیش بینی میکرد که این کودتا موفق نشود سرانجام کمونیست ها حاکم خواهند شد. پایان خلاصه مطلب.

۳ - ۲۸ ژوئیه هوشنگ نهائندی وزیر اسبق عمران و خانه سازی (در سال ۱۹۶۷) در ویس اسبق دانشگاه تهران (انزال ۱۹۷۱ تا سرنگونی رژیم شاه) مأمور امور فرهنگی سفارت را که یکی از دوستان شخصی او میباشد دید. هوشنگ نهائندی کسیکه از وقایع ایران آگاهی کامل داشت تجزیه و تحلیل مفصلی از موقعیت فعلی ایران را با نداد. او تشریح کرد که در حین سرنگونی شاه در حالت مخفی پس میبرد و بعدا به کردستان جایی که روابط گسترده ای با سران کرد آنجا داشت رفت و سپس عازم ترکیه شد.

۴ - نهائندی وضعیت ایران را در حین دور زوال توصیف کرده و گفت بعد از اینکه هر چه میماند از دوام مهندستها درجه دولت فعلی قرائت خواهند داشت یکی عادت معمولی ایرانیها و دیگری مصرف زیاد میباشد. او تشریح کرد که در این مقطع زمانی حزب توده با زیرکی خاص رخنه کرده ولی با دقت تئوری در داخل عوامل مهم که شامل نظامی ها می باشد زده و دنبال فرصت مناسبی میگردد.

۵ - نهائندی کردها را یکی از قوی ترین نیروها توصیف کرد (بنا به گفته او در حدود ۱۰۰/۰۰۰ افراد مسلح دارند) و مشکل در حدود ۱۰۰ الی ۱۵۰ کیلومتر از نواحی عراق و ترکیه دارد کنترل خود دارند. او فکر میکرد که واقعا پیروان کرد آنها غیر ممکن است، بخصوص در وضعی که نیروی مرکزی دولت در حال از هم پاشیدگی است. او همچنین فکر میکرد که کردها از پشتیبانی مالی برخوردارند (بنا به گفته او از طرف اسرائیل و عربستان سعودی).

۶ - نهائندی به یک کودتای نظامی ویژه که در دست تهیه می باشد اشاره کرد و معتقد بود که این کودتا بعد از ۶ الی ۸ هفته بوقوع خواهد پیوست و این کودتا توسط بعضی از تیسارهای ارتشی رهبری خواهد شد و اگر چنانچه این کودتا موفق نشود سرانجام کمونیست ها حاکم خواهند شد و نهائندی فکر میکرد که کردها از این کودتا پشتیبانی نظامی خواهند کرد چرا که بعد از آنها امیدوارند استقلال داخلی بیشتری را بدست خواهند آورد. (بعوضه و تلمیم و تربیت در کردستان نه پلیس و نه نظامی که کرد نیستند). نهائندی خطرات را در این طرح تصدیق کرد اما فکر میکرد که خطر این طرح کمتر از آن خواهد بود (حاکمیت کمونیست ها بر ایران) بهر حال او گفت که در حال حاضر هیچ نیروی مشکلی غیر از کردها در ایران وجود ندارد.

## جاسوسان «سپا» با گروه فرغان در ارتباط بوده اند

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، مستدیرگی قرائت کردند که نشان میداد جاسوسان سپا، با گروه فرغان رابطه داشته و آنرا توسط عمال خود هدایت می کردند.

یکی از دوستان قدیمی افرسیاسی، که یک طلحه قدیمی است که خانه اش سال گذشته ما من مرکز بجهت های ایدئولوژیک برای شاگردانش بود یک دید خلاصه ای از فرغان داد.

۱۱ نفر از شاگردان قدیمی این شخص عضو گروه فرغان در تهران هستند که تعدادشان ۴۰ الی ۵۰ نفر است آنها ترکیبی از چپگراها و راست گراها و لی بیشتر آنها تا متعادل هستند بعضی بعضی افراطیون، اغلب اصول اسلامی را قبول دارند و احساس میکنند که ترور راهی است که آنها از دست روحانیونی که با نظرات آنها هماهنگی ندارند خلاص شوند یکی از اعضای فرغان افشاء کرد که آنها در نظر دارند که خرابکاری را با ترور هفتای یک روحانی شروع بکنند و تا زمانی که موفق نشوند ادامه دهند.

اشکالی در این است که گروه در اینک موقعیت چه میتواند باشد به توافق نرسیده است منبع بیان داشت اعضای فرغان که او با آنها در تماس است توجهشان را به اهداف داخلی معطوف کرده اند و به نظر میرسد علاقه ای بدنبال خارجیان رفتن داشته باشند او

این گروه های سیاسی بر سه عامل غیر عمد و فرعی، بر جسته کردن وجوه اختلافات ایدئولوژیک، تکیه بر پیشداوریها، و بدینسان تضعیف نیروهای رزمنده در جهت خطعه مبارزه، یعنی بر ضد امریکاییسم امریکا، بطور عینی عملی است ضد انقلابی. اسناد افشاء شده توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، هشداری است، بانگ ناقوسی است که هشداری میدهد که امریکاییسم امریکا در ایران ریشه دواند و تا این ریشه از بین نرود، توطئه

احتمال این را که فرغان به گروه های کوچک تر اسلامی مرتبط باشد رد نکرد تشکیلات فرغان در تهران متمرکز است و در خارج تهران تعریف است.

## امپریالیسم امریکا توطئه های خطرناکی را علیه انقلاب ایران سازمان میدهد

سند دیگر از ملاقات فریدون افشار با جاسوس سپا است.

در هفتم آگست فریدون افشار دوبار، با کاردار تماس گرفت و درخواست ملاقات کرد. کاردار فکر کرد که شخص من فریدون است که در می کلارک چند هفته پیش گفته بود که بخاطر بهود او ضاع بهودیان در ایران با او تماس بگیرد. بهر حال برای اطمینان خاطر بیشتر کاردار به مشاور سیاسی سفارت گفت که با افشار تماس گرفته و کار او را مشخص کند. بعدا معلوم شد که افشار مسائلی غیر از مسائل یهودیان ایران دارد. افشار به مشاور سیاسی سفارت گفت که از مدارس عالی ارومیه و تبریز فارغ التحصیل شده و در چندین دانشگاه آمریکا از جمله (آیداهو، کلاهما، شیکاگو، و جان هاپکینز) شرکت کرده و در کتای زمین شناسی خود را گرفته است. او همچنین یک دوره کوتاه مدت در دانشگاه نظامی ایران بین دوره تکمیلی لسانس و مراجعت به آمریکا برای امر فارغ التحصیلی گذرانده. زمانی که نفت در ایران ملی شد، افشار بخاطر کمک به پیدا کردن مناطق نفت خیز به ایران خواسته شد. او در مرحله اول برای تسواید محصولات مفید در قفقاز مشغول بکار شد. بعدا به دانشگاه تهران رفت و در سال ۱۹۵۶ بعنوان نماینده مجلس از طرف ارومیه انتخاب شد. بعدا در سال ۱۹۶۱ بعنوان بنیانگذار سرخوردگی از مسائل سیاسی بکار خود ادامه نداد. و مجددا مشغول تدریس در دانشگاه تهران شد.

۳ - افشار گفت، افرادی نظیر او زمانی که هرگز با بودن شاه خوشحال نبودند، اکثریت توده مطلقا از کارهای ملاها در ایران خسته شده بودند و واضح است که آنها قادر نیستند یک اقتصاد مدرن را پیاده کنند. او گفت که بتازگی از ارومیه برگشته و او در ارومیه شاهد وقایعی مثبتی بر درگیری بین کردها و قدرت های محلی دسرو بوده است. او اظهار داشت که هر منطقه کردستان در کنترل کامل کردها و عراقیها میباشد، آنها پیش از شش پاسگاه ژاندارمری را بدون مقاومت تصرف کرده اند و پاسدارانی که از ارومیه بهر ای محاصره آنها می رفتند آنها را از پای در آورده و زخمی کردند. او گفت که پاسداران بی انضباط و بدون آموزش میباشد و حتی چیزی برای کردها که بخوبی مشکل نشده اند نیستند و ارتش در ارومیه چنگه را رد کرده.

۵ - افشار گفت در چنین وضعیتی برای آنچه که گفتیم گفته انجام دهد ایده آل است، او گفت که استفاده یک نیرو در حدود بیست هزار الی سی هزار نفر در آذربایجان ساده خواهد بود و میتوانیم آنها را در منطقه کردستان جایی که هیچ کس نیست آموزش دهیم و بعدا آنها را به شمال غربی ایران بفرستیم. او گفت که ایران حدود ۱۸ میلیون ترک دارد که از این ۱۸ میلیون حدود ۶ میلیون آنها ترک آذری هستند این تعداد از آذربایجان گرفته تا قلب تهران برانگنده میباشد. در حدود ۳ میلیون ترکمن و قفقازی در شمال شرقی و جنوب وجود دارند. بیش از ۹ میلیون فارسی خالص وجود ندارد. که تمام آنها در قسمت مرکزی ایران متمرکز شده اند و آنها بوسیله ترکهای نظامی و کردها و عربها و بلوچها محاصره شده اند. فقط علما هستند که در بین فارسیها قدرت دارند. اگر ترکها شمال غربی و تهران را محاصره و اداره کنند مناطق غیر اقلیت فارسیها به آنها در خلغ یسند کردن مذهبیها در بقیه کشور خواهند پیوست.

۶ - افشار صراحتا گفت که برای پیشبرد نقشه اش احتیاج به کمک دارد. حداقل، این کار برای شروع احتیاج به پول دارد. کمک اسلحه و آموزش مفید خواهد بود. اغلب ترکها موهای سخت و چشمان آبی دارند. او گفت اگر تعدادی مشاور خارجی در تهیه نقشه دخالت کنند زائد نخواهد بود. فقدان کنترل دولت مرکزی در منطقه آذربایجان با ترکها بعد بنظر میرسد که فکر بتواند مسائل آنجا را به طریق آشکار کند. او امیدوار بود که این یک مانع پشتیبانی از یک نفر مثل او را درنگ کرده باشد. او گفت که من در مدارس شما فارغ التحصیل شده ام و من میدانم که شما به چه چیزهایی معتقدید و من هم به آنها معتقدم.

خطر واقعی نه این است که اجازه بدیم جمعیت های اسلامی بخوانند مسائل را سر هم کنند و نه آنکه چیزی را بخواهند بعد از مدتی اینها را بیرون کرده و قدرت را در دست گیرند. او گفت چیزی که حائز اهمیت است این است که بعد از ادامه بحرانها در ایران شوروی وقت را ضمیمه کرده و دخالت کند. و این چیزی است که خطرات جدی برای منافع آمریکا در این قسمت دنیادارد نه آنکه تعدادی ایرانی چپگرا در اداره نخست وزیری بنشینند، زیرا که مارکسیستها طرفدار کمی داریان دارند.

۷ - مشاور سیاسی سفارت به افشار گفت که آمریکا نمیتواند از نقشه او پشتیبانی کند و این برخلاف سیاست آمریکا است که بخواهد در امور داخلی ایران دخالت کند. او گفت که بعد از نتیجه ویتنام و ووترگیت در ماجراجویی خارجی نمیتواند بوسیله مردم آمریکا تأمل شود. افشار جواب غیر منتظره ای به مشاور سیاسی سفارت داد. او فکر می کند که حداقل کوشش برای متقاعد کردن لیاقت او در نقشه اش مهم خواهد بود. او بهر حال این کار را دنبال خواهد کرد. ۸ - نظریه افشار یکی از بهترین نظریه های برانگیزنده احساسات در توطئه یافتنه میباشد که تا بحال مشاور سیاسی سفارت ملاقات کرده، افشار یکی از متخصصین آموزش می باشد. و مرید است که زندگی در راه مشکلات گذرانده. برای مثال او فقدان این سیستم را پیدا کرده و جمهوری اسلامی پارزشهای فردی و احساس او را گامی برداشته، او بخاطر این که مسیبت زده شد نمی خواهد این کار را بکند بلکه بخاطر اقتضای زمانی در تشکیل این نیرو می باشد. بنظر می رسد که او بدقت ضعف دشمن را محاسبه کرده و آبیامی تواند او تشکیل چنین نیروی

امریکا، کاد امریکایی بکسر خواهد شد. همراه با بانگ هر چه رسات «مرگ بر امریکا»، همراه با تبلیغات وسیعی که برای شناساندن چهره بی تقاب امریکاییسم امریکا باید انجام گیرد. همراه با افشاء توطئه های «کلم پیچی» که دولت امریکایی علیه انقلاب ایران می چنند و انجام میدهد، ریشه اقدامات اساسی میهن نیز در جهت تامین استقلال ایران در تمام شئون زندگی اعم از اقتصادی، اجتماعی، نظامی، فرهنگی، مالی، بازرگانی و غیره باید انجام گیرد، تا بود، فوق الامده هشدار بود.

داهدد یا نه نامعلوم است. اما اگر بخواد چنین نیروی متشکل شود احتمالا شخصی مثل افشار این کار را بهتر انجام خواهد داد تا یک نفر ارتشی عالی رتبه یا یک شخص عالیهام طرفدار مادیات که از پارسی یا لوس آنجلس نقشه می کشد و بایک روانشناس جوان که با ماشین اش در خبا بانهای تهران میگرد و را برای کسانی که توطئه کردن رایک نوع بازی مردانند.

## اویسی عامل توطئه نقده بوده است

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام طی افشای مستدیرگی از توطئه های خونین امریکاییسم امریکا و عمال آن در کردستان، علیه پاسداران و جهت کشتار مردم، پرده برداشتند.

بیروز شریفی رئیس قسمت سیاسی سفارت در ناهای که در روز ۲۶ آوریل یاهم داشتند، درباره توسعه مناسبات سیاسی با یکدیگر صحبت کردند. شریفی بارها کوشش کرد که از راه سیاسی طرفداران رژیم سابق را نجات دهد. او از مامور سیاسی سفارت خواست کرد که تجدیدنظری در توسعه مناسبات سیاسی بکند زیرا که او یک سفر طولانی در سوم ماه مه خواهد داشت. شریفی گفت: تیسار اویسی و تعداد دیگر از تیسار های شاه تصمیم ببازره دارند بنابه گفته شریفی، اویسی عامل طغیان نقده میباشد که بیند جواب دولت ایران نسبت باین مسئله چه خواهد بود.

خبرهای نقل شده و نقل نشده وجود دارد اظهارات و نقطه نظرهای شریفی در حقیقت خوب نیست با حسن نیت برای نیروی سلطنتی بدون حکومت پادشاهی است.

نیروهای نظامی در چهار نقطه خارج از ایران مستقر شده اند که احتمالا آمادگی عمل تا اواخر ماه مه را خواهند داشت. شریفی درخواست مستقیم برای کمک هانطوری که معمولاً انجام میدهد نکرده است ولی گفت که گروهها در حال جمع آوری پول و غیره میباشدند. با یک دید استیزه آمیز پیشنهاد کرد که امکان دارد آمریکا مایل باشد در این امر کمک کند. مامور سیاسی بطور محکم شریفی را ساکت کرد. اینبار نوبت شریفی بود که گفت ما فقط مدتی سیر کنیم و منتظر باشیم که اوضاع و احوال چگونه پیش خواهد رفت. البته با اطمینان کاملی که او قبلا تعاض ندهاده بود. سپس او گفت که در نظر دارد که مدت سی روز بخارج برای خریدن ماشین چوبه کشی مسافرت کند. مامور سیاسی سفارت گفت چیزهای دیگر چطور؟ شریفی با یوزخند ولی جدی جواب داد که اسلحه های سنگین بد نیست.

## نظریه سفارت

در حالیکه شریفی احتمالا در یک درجه ماموریت بازرگانی بپیوسته نیست ولی اومکن است در جستجوی کمک وسائل نظامی محدود درواشکنن یادگیری، بازارهای و مسائل نظامی دنیا باشد. مدت ملاقات از جلسه قبلی کمتر بود و شریفی زیاد فشاری نکرد. از طرف دیگر شریفی نسبت به دفعه قبلی خوشبین تر بود و فکر میکند که یک نفر در حال انجام کاری است شریفی اشاره به ادامه فعالیت فرزندان افرادی که محاکمه و کشته شده اند کرد که این فرزندان، افراد پاسدار انقلابی را در شب می کشند که البته نمی توان گفت که چطور این مسئله به اقدام اوستکی دارد. نیروی حفاظتی مابه مامور سفارت گفته است که تیراندازی به ۴ پاسدار که در عصر روز ۲۶ آوریل اتفاق افتاده و در نزدیکی سفارت بوده دیده است.

## اعضاء تاسمت

بیروز شریفی، مدیر شرکت «ایران» بوده است. در میانه ماه روز ۶ سپتامبر مایک تاجر ایرانی از افسر سیاسی برسیه شده است که آیا دولت آمریکا حاضر است که از بیروز شریفی از کوششهایش برای جمع آوری گروهی برای سرنگون کردن دولت ایران پشتیبانی کند. تاجر گفت که از او شب پیش دعوت شده تا شخص جالبی را ملاقات کند.

او اطلاع دار، از قضا آن شخص بیروز شریفی بوده که به میهمانان اطلاع داده که توسط امریکاییها از او خواسته شده گروهی ترتیب دهد تا دولت راسرنگون کند. شریفی ظاهرا قصد داشت در روز بعد به پاریس برود و با گروه های افراطی متعددی ملاقات کند. تاجر ایرانی گفت: که دونه از رابطه های بختیار که تازه از پاریس آمده بودند در جمع حاضر بودند. در صحبتی که روز بعد با آن تاجر صورت گرفت افسر سیاسی به او اطلاع داد که مشاور سیاسی تاسمت با شریفی ملاقات کرده و او از امریکائیت تاسمت کمک کرده است.

در روز هشتم ژوئن بیروز شریفی مشاور سیاسی را برای ملاقات با رئیس گروه که شریفی راجع به کوششهایش برای ایجاد یک جبهه مخالف بجای حرکت اسلامی خبیثی شرح داده بود، برد. بعد از طی یک مسیر غیر مستقیم در شمال تهران معلوم شد که مامور یک سپندس ساکن امریکاییست که فقط بنام فرد مشهور میباشد. فرد فوراً با مامور طلب رفت و گفت: او یک گروه متشکل از دوستان فخر که مخالف خبیثی بوده و موافق سلطنت میباشدند تشکیل داده او گفت: مطمئنا شاه اشتباه کرده ولی آیا همه نمی کنند؟ ولی او کارهای زیادی هم برای کشور کرده، حتی برای آن حرامزاده ها که بر علیه او حرف می زنند. فرد گفت که او ۱۵۰ هزار دلار از پول خودش را در این سازمان خرج کرده و لی برسیه که آیا میدانید یک (۳-۲) چند می ارزند؟ سه هزار تومان، وی در حالیکه به اسلحه های متعددی که در اطراف اطاق ریخته بود اشاره میکرد، و در چندان حاوی مقداری مسمات را میگوشود ادامه داد ما مقداری کار کرده ایم چند پاسدار را کشته ایم و از این قبیل کارها

# بحث آزاد، برای حصول نتیجه مشترک، بسود انقلاب

### آقای ابوالحسن بنی صدر، رئیس جمهوری اسلامی ایران؛ بدنبال دعوت سازمان چریکهای فدائی خلق، بحث آزاد با آنها در یک مناظره تلویزیونی را پذیرفت و متذکر شد: «از این قبیل بحث‌های آزاد در تلویزیون خواهیم داشت».

بحث آزاد در واقع یکی از طرق مشخص و مهم شور و عصبانیت است که از ضروریات اولیه هر جامعه مترقی و دموکراتیک بشمار میرود. نظام شورایی، که پذیرش آن همچون

سازنده و تعمیق‌بخش باشد که پیرامون مسئله با مسائل مشخص و با مسوولین و برنامه‌مینی صورت گیرد. آزادی بحث در این نیست که هر کسی هر گروه، بدون رعایت ارتباط و نظم مسائل هر چه می‌خواهد مطرح کند. آزادی بحث از هر چیز بمنتهای آزادی از پیش-دوریه است. منظور اصلی از بحث آزاد، روشن کردن جهات مختلف مسئله و حصول نتیجه مشترک عقول و منطقی است نه تحویل نظرات و عقاید گروه یا افرادی بگروه یا افراد

دیگر. برای نیل به این منظور راهی جز علنی بودن بحث وجود ندارد. از اینرو نیز یکی دیگر از شرایط آزادی بحث، علنی بودن آنست. در بحث آزاد علنی، نظرات و اندیشه‌های گوناگون در معرض قضاوت و ارزیابی افکار عامه قرار می‌گیرند. در اینجاست که رساله‌های گروهی و وسائل ارتباط جمعی وظیفه بسیار مهمی را در بحث آزاد به عهده دارند. از طریق این وسائل و رسانه‌هاست که افکار عمومی از یکسویه‌ها

در حل مشکلات کشور مؤثر واقع شوند. از راه بحث آزاد است که میتوان نظریات و افکار مختلف را بهم نزدیک کرد، نکات قمری و اشتباهات سازنده هر یک از نظریات گوناگون را استخراج کرد، تلفیق داد و در نتیجه به حل صحیح و جامع مسائل دشواری که در پیش است، نائل آمد. از این راه گروه‌ها و اشخاصی که در اجتماع می‌باشند مستقیم خود را در اداره امور حس می‌کنند و بیشتر حس مسئولیت می‌نمایند. این

## اعلامیه هواداران حزب توده ایران در ایذه

### تفرقه افکنی در میان مردم بسود ضد انقلاب است

همشهریان عزیز

بدنبال ۱۷ روز تحسین و تحریم کلاسها توسط عده‌ای از معلمین ایذه، که در اداره آموزش و پرورش جمع شدند و خواستار باجرا در آوردن اعلامیه ۵ ماده‌ای و تشکیل شورای معلمین بودند در تاریخ ۵۸/۱۱/۲۷، اولین شب توسط پاسداران این شهرستان عده‌ای از محصلین دستگیر و زندانی شدند. صبح ۵۸/۱۱/۲۸، پند از دستگیری معلمین، خانواده‌هایشان بعنوان اعتراض و برای آزادی آنان دست به تظاهرات زدند، که با تیراندازی هوایی پاسداران و مامورین شهر بانی متفرق شدند. لحظه‌ای نگذشت که عناصری تحریک شده، با چاق و سنگ، مرگ بر کمونست گویان از این طرف با نظرف شهر در کوچه و بازار به تعقیب تظاهر کنندگان پرداختند. شهر حالت غیر عادی بخود گرفت و بازار بسته شد. ما هواداران حزب توده ایران در شهرستان ایذه همداریمیدهم در این برهه از زمان که دشمن اصلی ما امپریالیسم آمریکا و عوامل سرسپرده‌اش، یعنی مالکین بزرگ و سرمایه‌داران وابسته هستند هر گونه تفرقه و دودستی فقط بفتح دشمن بزرگ تمام میشود. ما از تمام نیروهای مترقی و خلقی می‌خواهیم، خواستهای خود را بشکل و در چارچوبی مطرح کنند که به اتحاد نیروها بر علیه دشمن اصلی خلقمان ضربه‌ای وارد نیاید. در عین حال، برای میدان ندادن به توطئه‌های امپریالیسم آمریکا، از مسئولین این شهرستان می‌خواهیم که به خواست معلمین، در اعلامیه ۵ ماده‌ای که توسط رئیس فرهنگ تائید و ابلاغ گردید، توجه کنند و مسوود معیت و برحق آنرا، از جمله تشکیل شورای معلمین بمورد اجراء آورند، تا دودستی و نفاق که تنها بسود ضد انقلاب است، در این کانون فرهنگی، که محمود تعلیم و تربیت نسل آینده کشورمان است، بوجود نیاید.

همچنین از مسئولین امور می‌خواهیم که مسببین حمله چاق بدستان راه که به خانواده‌های دستگیر شدگان حمله آورده‌اند و جان و حشمتی در شهر بوجود آورده‌اند، مجازات کنند و معلمین و دانش آموزان بیگناه را هر چه زودتر آزاد نمایند تا حوادثی ناگوار نظیر کتید - کردستان و... در این شهر موجب برادر کشی نکردد.

پیروزی باد انقلاب ضدامپریالیستی ایران بر رهبری امام خمینی برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی در جبهه متحد خلق

هواداران حزب توده ایران - ایذه  
۲۹ بهمن ۵۸

### نام نویسی در حزب توده ایران

کارگران و زحمتکشان هوادار حزب توده ایران که مایلند در حزب ثبت نام کنند، ولی در ایام هفته فرصت اینکار را ندارند، می‌توانند در روزهای جمعه از ساعت ۱۱ تا ۹ صبح و از ۷ تا ۵ بعد از ظهر به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده

### مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸۵  
تلفن: ۹۳۳۴۵۹-۹۳۵۷۲۸

جیب، کلویان

## MARDOM

No 175  
24 February 1980

Price: West - Germany 0.80 DM  
France 2 fr  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 fr.



### برای شهیدان حزب و جنبش

«مردم» در نظر دارد عکسهای تمامبازنانی را که در دوران سلطنت ننگین و متغورخاندان پهلوی در راه آرمانهای ملی و میهنی و انسانی خود بشهادت رسیده‌اند، جمع آوری کند. از همه میهن‌دوستان و آزادی خواهان تقاضا میشود که هر عکسی از این مبارزان شهید دادند، به دفتر «مردم» مراجعه کنند. باسپاس - «مردم»

### نظامیان امریکائی در پاکستان علیه هند هم جاسوسی می‌کنند

دبیر کل حزب کمونیست هند گفت که نظامیان امریکائی، که در پاکستان فعالیت میکنند، علیه هند جاسوسی میکنند. وی گفت که این نظامیان علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان نیز توطئه می‌کنند و طرح‌های خرابکارانه تنظیم میکنند. دبیر کل حزب کمونیست هند یادآور شد که نظامیان امریکا فراریان افغانی را در پاکستان آموزش می‌دهند و برای قتل و غارت به افغانستان گسیل میدارند.

### امپریالیسم انگلستان از پیروزی جبهه میهن پرستان در زیمبابوه بیم دارد

در حالیکه طرف یکی در روز آینده انتخابات در زیمبابوه (رودزیا) برگزار میشود، مقامهای انگلیسی با کمک داروسته سرسپرده سالیسبوری و ترادپرستان افریقای جنوبی، همچنان به اعمال فشار و ارعاب هواداران جبهه میهن پرستان ادامه میدهند. امپریالیسم انگلیس که از پیروزی جبهه میهن پرستان در انتخابات زیمبابوه بیم دارد، به آخرین تلاشها برای جلوگیری از این پیروزی دست زده است. دولت لندن از جمله به مقامهای برجسته سازمان ملل اجازه ندهد که از زیمبابوه دیدن کنند و بدین ترتیب جریان امور در زیمبابوه را از چشم جهان نیان پنهان میکند. بسیاری از کشورهای آفریقای اعلام کرده بودند که سازمان ملل نباید در مورد مسئله زیمبابوه دست روی دست بگذارد و باید بر جریان انتخابات نظارت کند، نماینده سازمان وحدت

### آفریقا در سازمان ملل گفت که این سازمان قاطعانه علیه تقاضای مداوم مواد مهم توافق لندن بوسیله فرماندار انگلیسی زیمبابوه اعتراض میکند. این مقام اضافه کرد که سازمان وحدت آفریقا تنها حکومتی را در زیمبابوه به رسمیت می‌شناسد که در پی یک انتخابات آزاد عادلانه و بر اساس بیان واقعی اراده خلق زیمبابوه به قدرت رسیده باشد.

### زمین‌های فئودالها در نیکاراگوئه ملی شد

دولت انقلابی نیکاراگوئه هزاران هکتار از زمین‌های زراعی را، که متعلق به فئودالها بود، ملی کرد. دهقانان درخواست کرده بودند که زمین‌هایی که تصرف کرده‌اند به مالکین پس‌داده نشود و دولت نیکاراگوئه از این خواست کاملاً حمایت کرد. سرخورد امیر، یکی از مقامهای نیکاراگوئه، گفت که طرحی در دست مطالعه است که بموجب آن همه زمین‌هایی که زیر کشت نرفته‌اند و زمین‌های متعلق به سوموزا ملی شود. بدین ترتیب قانون قبلی که بموجب آن زمین‌داران می‌توانستند در صورتی که طرف شصت روز ثابت کنند از هواداران سوموزا نبوده‌اند، زمین‌ها را باز در اختیار آورند، ملغی اعلام میشود. از سوی دیگر دولت نیکاراگوئه برای مبارزه با عوامل ضد انقلاب، که با حمایت امپریالیسم آمریکا دست به خرابکاری در کشور می‌زنند، طرح مربوط به مسلح کردن شب نظامیان خلقی را تهیه کرده است. این شب نظامیان برای پاسداری از دستاوردهای انقلاب از کارخانه ها و مراکز پاسداری خواهند کرد.

## افشاگری دانشجویان مسلمان پیر و خط امام

مملکت میبایشد و کابینه دولت موقت آلت دست افراد مذهبی میبایشد او و قایلش عمیقاً مذهبی میباشند اما آنها نمی‌خواهند در مسائل سیاسی مملکت باشند او معتقد است که رژیم کنونی آینده‌اند داشته و بهین دلیل میخواهد زیاد دخالت نکند پدرزن سروان یک تیسار باز نرفته و مقام عالی رتبه ارتش میبایشد او یک کرد است و ۱۲ سال پیش از ارتش بازنشسته شده ولی این امر مانع از آن نشده که در زمان انقلاب زندانی نشود او ۱۹ روز زندان قصر بوده و اغلب همسولولهای او اعلام اعدام شدند و زندانی او مصافح شده با انتصاب دامادش بعنوان خلبان نخست وزیر و انتصاب برادرش بعنوان سر کسولگری ایران دریاگو، یکی از کارکنان سفارت ایران در مسکو. تیسار اظهار میدارد که در زندان قصر با او خوب رفتار شده است. در خلال شب‌نشینی چندین بار تیسار را پای تلفن خواستند و هر وقت که بر میگشت، میگفت که وضع پاره بدتر شده. تیسار در تماس با افراد بازنشسته و شافل نظامی میبایشد و خود را یکی از دوستان نزدیک تیسار پالیزیان میداند و میگوید که او در منطقه کرستان است. این روشن بود که این گروه افسران با تعدادی افراد اصلی که از ایران فرار کرده‌اند در تماس میباشند حتی در بعضی از موارد اعتراف کرده‌اند که چه کسی باین فرارها کمک کرده است برای مثال میتوان پرواز تیسار بمصر را ذکر کرد. او از طریق مرز ترکیه فرار کرده و در مرز یک بنز سیاه منتظر او بوده مبلغ پرداختی برای تیسار و استفاده از پاسپورت سیاسی در حدود چهل هزار تومان بود. یکی از میهمانان توضیح داد که یکبار در اروپا تیسار بمصری با هلمن سفیر سابق آمریکا تماس گرفت و او به سفارت آمریکا تلفن کرد و ترتیب یک ویزا برای او داد. در یک جا تیسار اظهار کرد که با خانواده تیسار پالیزیان در تماس است و برای مثال هیچگاه از اعضاء دیگر میهمانی وضع خودشان را ثابت نمی‌نمایند. بیشتر آنها از رژیم خمینی و نفوذ ملاحده مملکت ناراضی هستند. دانشجویان مسلمان بیرو خط امام در خاتمه توضیح دادند که تا است یکی از برجسته ترین جاسوسان آمریکا در ایران بوده است وی همکار لیکن بوده است. تا است ولیکن بهرام هالند در گرگان ملت ایران میباشند. این سخن در وزارت امور خارجه بازداشت میباشند. تا است مستقیماً با گروه فرقان ارتباط داشته است و بر اساس اسناد موجود وی در توطئه‌ها و تروادهای گروه مذکور دست داشته است. دانشجویان مسلمان بیرو خط امام معتقد بودند که تا است بهرام اعضای دستگیر شده گروه فرقان باید محاکمه علنی بشود.

### خوانندگان گرامی میتوانند در خارج از کشور به آدرس‌های زیر با «مردم» مکاتبه کنند

- فرانس، Rigel Albert BP 75160 75001 Paris France Box 27y30 30251 Stockholm سوئد.
- ایتالیا، Pci, Shams Via G. Vincon 46 Ostia (Roma) Tel 8614922 (TUDH) بلژیک 51, Av. de Broqueville 1200 Bruxelles
- انگلستان، P O. Box 141 London, E 70 PE

### رفقای حزبی! هواداران و دوستان اران حزب!

استاد حزبی (اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشره در «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله‌ترین شکل تکثیر کنید و به توده‌های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مبسوم انقلابی است.